



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۲۲۸  
دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۵۹ ، مطابق با  
۱۹ دی ماه ۱۳۰۱ قمری ۱۵ دیال

# امریکا همچنان ایران را می خواهد نه کمتر

هنوز مرکب موافقتنامه های «الجزایر» در مورد تصدات آمریکا در برابر آزادی «گروگانها» خشک نشده بود و هنوز هواپیمای حامل جاسوسان و توطئه گران دیپلماتهای آمریکا در فرودگاه فرانسوا پنهان به زمین نشتست؛ بود که امبرالیسم پسر کردگی آمریکا، چیره کتیف و شنیع خود را با دردیگر نشان داد. دستگاه عظیم تبلیغاتی دروغساز و دروغ پرداز امبرالیسم پسر کردگی افتاد. کارتر پیشروست، گرن کلت جاسوسان را مانند نیلیان نازک و چیره های سرخ و سفید آنها را در زاره پالت و اشک از چشمان جاری ساخت؛ پروژینسی

پیش بینی کرده بود که «گروگانها» پس از آزادی داستانها از بند رفتاریای ایرانیان نسبت به خود فاش خواهند ساخت، و «گروگانها» پس از ملاقات با «متخصصان» شروع به بازگویی آن داستانها کردند. یکی گفت که دست ویای او رابسته و ماهیا در زندان انفرادی تاریک افتاده اند. دیگری فاش ساخت که هر روز ناشتا طایفه خالی به مغزش خالی کرده اند، و سوس شک نداشت که بازها او را در دوزخی اعدام کرده اند و هر باز از ترس غش کرده است. «مقامات» به فکر افتادند که باید این داستانها را به ایران خسارت بکنند.

هین «مقامات» لازم دانستند که موافقتنامه های الجزایر را مجددا مورد بررسی قرار دهند. ریگان قلوبا این «تجدید نظر» را لازم شمرده زیرا «مرد» آمریکا خواستار لغو قرارداد الجزایر هستند. و ریچارد هلمز، سر جاسوس سابق آمریکا، نتیجه گرفت که «ایران طرف کمونیست می رود و باید آنرا نجات داد» تبلیغات بی شرمانه ای که «امبرالیسم خیری» در افسران «دستکجه های وحشیانه» موهوم «گروگانها» برآه انداخته است و «مقامات» سابق و کنونی دولت آمریکا در آن شرکت فعال دارند، دو هدف را در آن واحد تعقیب

میکنند: یکی زمین سازی برای چانه زدن مجدد بر سر موافقت نامه های «الجزایر» و تهیه امکان فرار از انجام تصدیقاتی که بر مریدان آمریکا است، و دیگری توجیه ادامه فشار و احیاناً حمله نظامی علیه ایران، که آمریکا نمی خواهد تدارک آنرا متوقف کند. در مورد هدف اول یعنی عدم اجرای تصدات، و پست عبارت ساده تر، نزدیدن بخشی از پول های ایران، باید گفت که اگر این گانگستر بین المللی دست به چنین اقدامی بزند، موافق بسیار وحشی را، در عرصه بین المللی به جان خواهد خرید. زیرا آمریکا بقیه در صفحه ۴

## بر اثر تلاش نیروهای انقلاب به مواضع تجاوزگران صدامی در خونین شهر اشغالی، خسارات زیادی وارد آمد

ستک مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه شماره ۳۸۴ خود، عملیات بزمندگان ۲۳ بهمن ماه، ۳۸۴ خونین شهر اشغالی، پاره در صفحه ۴

## لایحه جدید بازسازی نیروی انسانی و جبران غفلتها و زیاده رویها

لایحه جدید بازسازی نیروی انسانی (پاکسازی) که به تصویب هیئت وزیران رسیده، برای تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. این لایحه، به گفته آقای دکتر محمد جواد باهنر وزیر آموزش و پرورش، از سوی یک هیئت مشترک مرکب از ستاد انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش و کمیسیون امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی و همچنین فساد و اختلاس و سوءاستفاده های مالی معیاره ای پاکسازی است. مسئولین رسیدگی به اسین جرائم عبارتند از: هیئت به نام «شورای عالی بازسازی» که در هر وزارتخانه، با شرکت یک

مربوط به قبل از انقلاب و جرائم دوران پس از انقلاب کرده است. جرائم مشمول پاکسازی در دوران قبل از انقلاب عبارتست از: ساراکی بودن، فراساوسری و جنون امره اصلی رژیم طاقتور در گذشته عمل کردن و در دوران پس از انقلاب اقدام علیه انقلاب اسلامی، فعالیت در جهت براندازی جمهوری اسلامی و همچنین فساد و اختلاس و سوءاستفاده های مالی معیاره ای پاکسازی است. مسئولین رسیدگی به اسین جرائم عبارتند از: هیئت به نام «شورای عالی بازسازی» که در هر وزارتخانه، با شرکت یک

نماینده از سوی شورای عالی قضائی، یک نماینده از طرف نخست وزیر، یک نماینده از طرف مجلس و ۲ نماینده منتخب از سوی وزیر وزارتخانه مربوط تشکیل میشود. بدینسان دادگاههای اداری در وزارتخانه ها منحل خواهند شد و کسانی که در گذشته پاکسازی شده اند و امتراض دارند نیز میتوانند به شوراها یا بازسازی وزارتخانه مربوط مراجعه کنند. مسئله پاکسازی یکی از آن مسائل مهم انقلاب بود که از آغاز طرح آن، از سوی مردم و عناصر و سازشکارهای مرفعی، مورد موافقت

## پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

به مناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایتالیا

بناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایتالیا (۱ بهمن ۱۹۵۹)، از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران تلگرام زیر به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا فرستاده شد:

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا رفقای گرامی،

بناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب پرولتاریه ایران، گرمترین شادباشها و درودهای مبارک و پیوسته ما و همه انضام حزب توده ایران را بپذیرید و به همه کمونیست های ایتالیا ابلاغ کنید.

بنیانگذاری حزب کمونیست ایتالیا دویزدهم بزرگ در تاریخ غرور آفرین جنبش کارگری ایتالیا به شمار می رود. کمونیست های ایتالیایی در شصت سال زندگی پر زخا و خویشتن، برگزیده های حماسه آمیزی بر تاریخ پر فراز و نشیب ملت ایتالیا و طبقه کارگر آن نگاشته اند. خاطره جانبازیهای کمونیست های ایتالیایی در یکباره علیه فاشیسم سواره جاودان خواهد ماند. حزب کمونیست ایتالیا، در پرو دفاع بیکر خود از منافع زحمتکشان ایتالیا و مبارزه علیه نفوقاتیسم و در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی، سناست که به وزنه ای سنگین وانکار ناپذیر در سحنه سیاست ایتالیا تبدیل شده است. بطوریکه حتی محافظه کارترین نیروهای ایتالیا نیز میدانند که بدون کمونیست ها نمی توان مسائل کشور را حل کرد. از این روست که حزب کمونیست ایتالیا، که از پشتیبانی اکثریت عظیمی از مردم برخوردار است، بدرستی، خواستار شرکت مستقیم در حکومت است.

حزب توده ایران بر همبستگی دیرینه و پایدار حزب کمونیست ایتالیا با مبارزه ضد امبرالیستی و دمکراتیک خلق و حزب ما و پشتیبانی کمونیست های ایتالیایی از انقلاب شکوهمند ایران ارج فراوان می نهد و باز دیگر سیاستگرانی خود را در این باره اعلام میدارد.

حزب توده ایران، ضمن اعلام همبستگی خویش با یکبار حزب کمونیست ایتالیا علیه امبرالیسم، ارتجاع و فاشیسم و برای صلح، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی، بیرونی و داخلی بیشتر حزب کمونیست ایتالیا را در راه پیشبرد هدفهای انقلابی، بسود خلق و زحمتکشان ایتالیا، خواستار است.

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دیرو اول، نورالدین کیانوری

## ملتهای دربند، آمریکار امسبب اصلی بدبختیهای خود میدانند

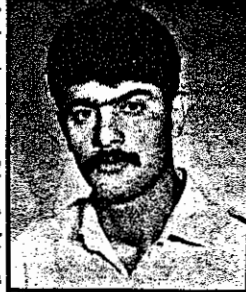
بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرایی و سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران در یک گفتگوی انحصاری با خبرنگاری پارس، روز پنجشنبه ۲ بهمن، اظهارات پرمای از جاسوسان آمریکایی و مقامات واشنگتن را در مورد شکنجه گروگانهای جاسوس در مدت اسارتشان در بند ملت ایران، شدیداً تکذیب کرد و آنرا «پانویچه» به سابقه دشمنی آمریکا با انقلاب اسلامی ایران، «بهبانه جوی های» تازه واشنگتن نامید. بهزاد نبوی در این مصاحبه از جمله گفت:

## نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست

رفیق شهید، توده های قهرمان، ابراهیم راسخ، گلی که در خون پرپر شد

رفیق قهرمان در سنگهای انقلاب، دو شادوش خلق رژیم و در جبهه جنگ جان خویش را نثار انقلاب کرد.

رفیق شهید در آخرین نامه اش از جبهه نوشت: «ما چون روح انقلابی داریم، بر سر این عملهای امبرالیسم نیستیم و خیلی امید داریم که حتما پیروز می شویم و حتما دم ایستور است.»



«خیلی دوست دارم که در جبهه شهادت توده های نامی داشته باشم. اگر روزی شهید شدم، دوست دارم که با نام حزب توده ایران به خاک سپارم و در روی سنگ قبرم بنویسند: شهید توده ای، که دستور حزبی، جانم را در راه ملت و انقلابش تقدیم کرده»

(از آخرین نامه رفیق شهید ابراهیم راسخ قشایی (مجید) از جبهه)

از سوی محمدرضا رجایی، نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران در رابطه با آزاد شدن جاسوسان آمریکایی در قبال پذیرش شرایط ایران توسط آمریکا، پیام تسکیر و تقدیر از زحمات دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، به این فرزندان غیور مردم انقلاب ایران صادر شد. در این پیام از جمله آمده است: «توطئه خود می دم از زحمات طاقت فرمای شما عزیزان صمیمانه تسکیر کنیم. شما با اشغال لانه جاسوس آمریکا به خشم و نفرت

بقیه در صفحه ۴

# برای مبارزه با امبرالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

رفیق شهید...

بقیه از صفحه ۱

کتابان میزد، توده‌ای قهرمان دیگری، شقایق دیگری بر راه خوین رهائی کار برین شده است. و این اوست که گل سرخی بر دهان، قامتش پیچیده در شولای شبانان می آید و با دهان خون می خواند: هبوطن پریخیز، که امروز روز خیزش است. درنگ نکن، که درنگ کردن گناه روایت صفات زهد است. و مثل آن روزهای قهرمانی و حماسه، که مسلسل در دست، با قامت سرپا آشفته به خون شهیدان، به ستاد ساواک یورش میبرد، به دشمن حمله میکند و پانک مزند: - مرگ بر آمریکا! - مرگ بر آمریکا!

و در فریاد او، خلق سرریز می کند و دشت در دشت سیاه اهریمنی دژخیمان و گزها به خک می افتند و آنگاه ستاره‌ها و توپها در آتش بخود می چسبند و کارگری پرچم خلق را بر سر آسان وطن برمی افرازد.

رفیق شهید ابراهیم رامخ قاضی (شهید) در سال ۱۳۳۶ در رشت متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر به پایان برد. سرپازاری را که تمام کرد، دیگر با گروخت و استخوان جوانب گوناگون ستم طبقاتی را نس می کرد. برای گذران زندگی کاربند بانک شد. سال ۱۳۵۰ در آستانه رستاخیز خلق، از طریق یاکوفوف توده‌ای با مواضع و نظریات حزب توده ایران آشنا شد. در همین سال او به عضویت سازمان «نویسه آزاد» و در صفوف حزب طبقه کارگر ایران، گام در راه یکپار آرزایش زحماتش گذارد، شوری که جان رفیق در آن می گدخت، او را با گامهای استوار به قلب شناخت ثوری انقلابی و به صف اول رزم با رژیم شاه و امپریالیسم میبرد. یک سال تنه بود که رفیق، دیگر آن همه سینه سابق نبود، کتیکار و مشتاق یاد می گرفت و کار می کرد، او تمام روح و جان را وقف حزب کرده بود، او یک توده‌ای فعال بود که آرمانی غیر از پیروزی خلق نداشت. با شور و شوق تشریح «نویسه» و دیگر تشریحات حزبی را پخش می کرد.

سال ۱۳۵۹ دیگر انقلاب آغاز شد بود هر گام که انقلاب پیش می رفت، رفیق شهید قدمی دیگر در راه آوج و کمال برمی داشت. گفتی او هزاران انقلاب بود طولی نکشید که رفیق شهید در سازماندهان «نویسه» شد و در این راه شهادت انقلابی خود را به عالیترین شکل پیروز داد. رفیق شهید به شهرهای مختلف میزد، پیروزه شهرهایی که هنوز شعله‌های قیام در آنجا درنگ نکرده بود، او به تنهایی به خیابان نیریز و آق‌در فریاد می زد، هر جا که بر شاه میزد، تا بیگم بود او همراه میزدند. آنک بیگمست و جرقه در جابوت خلق می گرفت. سال ۱۳۵۷، جیش آرام آرام به قیام میزد می شد، توده‌ها به میدان می آمدند، عید فلز به ۱۷ شهریور گره می خورد و خون شهیدای ۱۷ شهریور به نظر اهرات

آمریکاهم چنان...

بقیه از صفحه ۱

نقدش همانند یک مامله گس کلاه گذار، بلکه مانند زدی که روز روشن، بول دیگران را به ریاضت در سطح بین المللی رسوا می خواهد شد، تا آنجا که حتی رژیمهای دست‌نشاندهاش نخواهند توانست نسبت به او ایجاب بد کمات نشوند. این شریه‌ای خواهد بود که در سطح سیاسی برای «زندان بین المللی» بسیار گران تمام خواهد شد، حرکت تازه‌ای خواهد بود که خلقهای زیر سیطره آمریکا با خشم بیشتری به مبارزه علیه این بزرگترین سازتگر عصر و رژیمهای دست‌نشاندهای که بر آنها تحمیل شده‌اند، بیاخیزند.

اما هدف دوم، پیش‌اندازه‌ها، تدارک و ایحان حمله نظامی به ایران، که تبلیغات آنان گسسته اخیر برای توجیه آن با شدت بیشتری به جرحش در آمده، هدف تازه‌ای نیست. این هدفی است که حتی از قبل از پیروزی انقلاب،

است که فقط جنوب را اشغال کند، اگر مقاومت جدی نباشد، حتی به تهران و رشت یورش خواهد داد. اگر نیروی انقلابی در جنوب چپه نباشد، این بنا که گلوله و خیمه دشمن در حال میاشی ترا قلمه قلمه کند و صیادت را در گلولی تو خنه نماید.

خون شهیدویقه وحدت است، نه تفرقه و جدائی.

رفیق قهرمان، توده‌اشیبه، این شقایق خوین انقلاب، اکنون با دهان خیمه خویش هم آواز با شهیدان انقلاب، خلق را به ادامه رزم به امپریالیسم آمریکا می خواند و توده‌ها، به رسم تبار توده‌ها، راه رفیق شهید را تا تاز آخرین قطره خون خواهد رفت.

از وصیت‌نامه رفیق شهید: هر قطره خون و قطره‌ای برای آزادی مردم ایران است

رفیق شهید، قبل از انزام به جبهه، وصیت‌نامه خود را در اختیار حزب توده ایران گذاشت. در وصیت‌نامه چنین میخوانیم:

«هبوطن پریخیز که امروز روز خیزش است. درنگ نکن، که درنگ کردن گناه روایت صفات زهد است. و مثل آن روزهای قهرمانی و حماسه، که مسلسل در دست، با قامت سرپا آشفته به خون شهیدان، به ستاد ساواک یورش میبرد، به دشمن حمله میکند و پانک مزند: - مرگ بر آمریکا! - مرگ بر آمریکا!

و در فریاد او، خلق سرریز می کند و دشت در دشت سیاه اهریمنی دژخیمان و گزها به خک می افتند و آنگاه ستاره‌ها و توپها در آتش بخود می چسبند و کارگری پرچم خلق را بر سر آسان وطن برمی افرازد.

رفیق شهید ابراهیم رامخ قاضی (شهید) در سال ۱۳۳۶ در رشت متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر به پایان برد. سرپازاری را که تمام کرد، دیگر با گروخت و استخوان جوانب گوناگون ستم طبقاتی را نس می کرد. برای گذران زندگی کاربند بانک شد. سال ۱۳۵۰ در آستانه رستاخیز خلق، از طریق یاکوفوف توده‌ای با مواضع و نظریات حزب توده ایران آشنا شد. در همین سال او به عضویت سازمان «نویسه آزاد» و در صفوف حزب طبقه کارگر ایران، گام در راه یکپار آرزایش زحماتش گذارد، شوری که جان رفیق در آن می گدخت، او را با گامهای استوار به قلب شناخت ثوری انقلابی و به صف اول رزم با رژیم شاه و امپریالیسم میبرد. یک سال تنه بود که رفیق، دیگر آن همه سینه سابق نبود، کتیکار و مشتاق یاد می گرفت و کار می کرد، او تمام روح و جان را وقف حزب کرده بود، او یک توده‌ای فعال بود که آرمانی غیر از پیروزی خلق نداشت. با شور و شوق تشریح «نویسه» و دیگر تشریحات حزبی را پخش می کرد.

پس در آن زمانی که دیگر امید آمریکا به تغییر مسیر انقلاب ایران به یاس گرائیده بود، تقییب می شد و مشخصاً چنانکه در «فاشگرایی» سولوان - سفیر سابق آمریکا در ایران - آمده، از طرف رژیم سوسی طرح شده بود این نقشه سبس به وسیله ماجرای حمله مستقیم نظامی (نپس)، پس از او بسوی کودتای ۱۸ تیرماه (نوز) این نقشه‌ها تکرر شد، بوسیله حمله نظامی سدام تکرر شد.

هم اکنون ۶ هزار سزاینویرو واکش سریع در فلوریدای آمریکا مشغول ترین حمله فیزیکی «آسای» نظامی در شرایطی هستند که با شرایط «منطقه عمل» شهادت دارد. ۳۲ هزار جنگی آمریکایی را در هفت سزایس فواکش «تربیع» در منطقه عمل (آبهای خلیج فارس و دریای عمان و جزیره صیریه) آماده دریافت فرمان تیراندازی یکایک های نظامی آمریکا در مصر، در کنیا، در سومالی، در یمن، در عربستان، در دیه کوگاریس و حال حاضر بیات جنگ در آفریقا، همه اینها قبلاً به عنوان ابراز دشمنی آمریکا در برابر «گروگان» گیری توجیه میشد، حالا به عنوان دشمنی آمریکا در برابر «شکنجه گروگانها» توجیه می شود.

اینکه همه نیروهای راستین انقلابی ایران توجه داشته و گفتند و تکرار کردند که «آمریکه که گروگانها را ایران می خواهد، اینک به کشور بیشتر اشکار است. آمریکای جنایتکار در هر صورت برای توجیه چنانچه او هر چه خود بهانه می تراشد، خلق ایران بهانه شخصی نداشته باشد، بهانه هیستیک او آسانانه دخیل شوری - به آن زبان می نماند، اگر هیچ کس به شخص نباشد، آمریکا، بگفته ریچارد هلمز، در رسد «نجات» ایران از خطر کمونیسم، بخواهد آمد، همچنان که یکبار در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، یکمکه همین جناب ریچارد

رفیق شهید، قبل از انزام به جبهه، وصیت‌نامه خود را در اختیار حزب توده ایران گذاشت. در وصیت‌نامه چنین میخوانیم:

«هبوطن پریخیز که امروز روز خیزش است. درنگ نکن، که درنگ کردن گناه روایت صفات زهد است. و مثل آن روزهای قهرمانی و حماسه، که مسلسل در دست، با قامت سرپا آشفته به خون شهیدان، به ستاد ساواک یورش میبرد، به دشمن حمله میکند و پانک مزند: - مرگ بر آمریکا! - مرگ بر آمریکا!

و در فریاد او، خلق سرریز می کند و دشت در دشت سیاه اهریمنی دژخیمان و گزها به خک می افتند و آنگاه ستاره‌ها و توپها در آتش بخود می چسبند و کارگری پرچم خلق را بر سر آسان وطن برمی افرازد.

رفیق شهید ابراهیم رامخ قاضی (شهید) در سال ۱۳۳۶ در رشت متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر به پایان برد. سرپازاری را که تمام کرد، دیگر با گروخت و استخوان جوانب گوناگون ستم طبقاتی را نس می کرد. برای گذران زندگی کاربند بانک شد. سال ۱۳۵۰ در آستانه رستاخیز خلق، از طریق یاکوفوف توده‌ای با مواضع و نظریات حزب توده ایران آشنا شد. در همین سال او به عضویت سازمان «نویسه آزاد» و در صفوف حزب طبقه کارگر ایران، گام در راه یکپار آرزایش زحماتش گذارد، شوری که جان رفیق در آن می گدخت، او را با گامهای استوار به قلب شناخت ثوری انقلابی و به صف اول رزم با رژیم شاه و امپریالیسم میبرد. یک سال تنه بود که رفیق، دیگر آن همه سینه سابق نبود، کتیکار و مشتاق یاد می گرفت و کار می کرد، او تمام روح و جان را وقف حزب کرده بود، او یک توده‌ای فعال بود که آرمانی غیر از پیروزی خلق نداشت. با شور و شوق تشریح «نویسه» و دیگر تشریحات حزبی را پخش می کرد.

بهمواضع...

بقیه از صفحه ۱

هلزم، که در آنسوق رئیس اداره عملیات کتیبه سازمان جاسوسی مرکزی آمریکا (سیا) بود، آنرا «نجات» داد. پس آمریکا همچنان ایران را می خواهد، که کمتر. البته آمریکا، چه گارتی چه ریگان و چه جانور دیگری در راس قدرت حاکم آن قرارگیری ضمن تهدید به حمله مستقیم ضمن ایراد انواع دیگر فشارها و اجرای دیگر توطئه‌های ضد انقلابی در داخل ایران، سعی خواهد کرد که انقلاب ایران را بسج کند. دولت «میانه‌رو» (لیبرال) روی کار آرد، آرام و «مخونده» باز گردد و سلطه خود را مجدداً برقرار کند، چون حمله مستقیم می تواند به سرعت به حریف بدل گردد که هستی، امپریالیسم را بسوزاند، ولی در این حال امپریالیسم، امپریالیسم است و تجاوز و اعمال غیر مستقیم در سرشت اوست، ماجراجویی، به ویژه در این اوضاع، «خط مسطه» در سیاست اوست، و بنابراین، آمریکا هر گاه آمیدش به روی کار آوردن یک «دولت میانه‌رو» در ایران مبدل به یاس شود (که بهیست خلق قهرمان انقلابی ما زیر رهبری امام خیین مندل به یاس خواهد شد)، اینا بسید یست که دست به جنون بازی با آتش بزند.

پس ما در هر صورت برای خاموش کردن آتش تجاوز نظامی مستقیم آمریکا، برای شکستن این دشمن غدار خلق، و همه خلقهای جهان، برای دادن درس و پتانم دیگری باین گانگش بین المللی، باید بهانه آماده شویم و آماده باشیم. این آمادگی همه جانبه مقابله ما، خود وسیله‌ای بازدارنده چون گانگستر بین المللی می تواند باشد. این آمادگی همه جانبه مقابله ما - در صورت پیروز این جنون - وسیله برانو در آوردن جنایتکار دیوانه خواهد بود.

وخسارات قابل ملاحظه‌ای بتوای دشمن مستقر در مناطق مذکور وارد ساختند.

۴- شهر قهرمان آبادان زیر آتش سلاح سنگین دشمن قرار داشت که در نتیجه چند باب منزل مسکونی منهدم و دچار حریق گردید، بر اثر اجسرای آتش توپخانه مزدوران با یک بیارستان در شوش خساراتسی وارد و کتیکارگر شهیدشد.

۵- قهرمانان خستگناپذیر ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران در یکبار جبهه‌های غرب کشور ضمن لیرد رویارو با مزدوران عراقی توانسته چندین سنگر دشمن مستحراز را منهدم و تلفات زیادی به آنان وارد سازند.

در این عملیات یک تن از سربازان اسلام پدیده شهادت نال شد و یک تن نیز مجروح گردید. در جبهه دیگری در همین منطقه یک پاسنگار، موشک انداز، یک انبار مهابت یک دستگاه خودرو حامل لبات دشمن به آتش کشیده شد و منهدم گردید و باتزده تن از قوای کفر کشته شدند.

# کارنامه امام‌ها سیاست خارجی لیبرال‌ها

### تشکیل هیئت بررسی «مسئله امام موسی صدر» در آستانه تجاوز نظامی علیه!

در ۲۴ فروردین ماه ۵۹، کنفرانس کشورهای عضو جنبه پایداری (سوریه، لیبی، الجزایر، یمن دموکراتیک، و سازمان آزادی بخش فلسطین) در طرابلس گشایش یافت. در این اجلاس شرکت‌کنندگان بار دیگر به حمایت قاطع از انقلاب ایران پرداختند و «پشتیبانی همه جانبه دول خود را در انقلاب مردم ایران و استقلال دموکراتیک خلق افغانستان اسبازان داشتند و تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای تحريم اقتصادی و مداخله نظامی علیه ایران را محکوم کردند. این واقعه بار دیگر چهره دوستان واقعی انقلاب ایران را بی‌شائبه، امانگاهان درست در جریان برگزاری کنفرانس، اعلام شد که هیئتی برای بررسی «مسئله امام موسی صدر» به لیبی می‌رود!

آیت‌الله منتظری، علی بی‌سایه، در مخالفت با این عمل، هدف و ماهیت هیئت را افشا کرد و گفت: «در شرایط جناس قطع رابطه آمریکا با ایران از طرفی و تشکیل کنفرانس سران کشورهای جنبه پایداری سوریه، الجزایر، لیبی، یمن و سازمان آزادی بخش فلسطین در لیبی، به منظور تصمیم در مقابل اسرائیل و رژیم دست‌نشانده سادات از طرف دیگر، مطرح کردن موضوع فوق، نتیجه‌ای جز تیره کردن روابط لیبی با ایران و برپا کردن جنجال سیاسی نخواهد داشت و قهراً به نفع آمریکا ایجاد تاراج خواهد شد...»

(۲۵ فروردین ۵۹، روزنامه‌ها) وزارت امور خارجه قطب‌زاده، که از هیچ کوششی در تیره کردن روابط ایران و لیبی خودداری نکرده بود، در قبال این توطئه علیه مصالح انقلاب ایران نیز دم بر نیارود.

### یازم «کنفرانس اسلامی»!

امپریالیسم آمریکا، «حواپها و ملی‌گرایان خود را به ایران فرستاد و خشم مردم انقلابی و دموکراتیک ایران و جهان را نسبت به این اقدام تجاوزکارانه خود برانگیخت، آنجا وزارت خارجه قطب‌زاده، که در تمام مدت تدارک این ماجراجویی خطرناک سکوت کرده بود، پس از تجاوز هم سکوت خود را شکست، در عوض قطب‌زاده عازم «کنفرانس اسلامی» دیگری شد که در واقع برای پوشاندن نقش آتش افروزی و تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا، برپا شده بود.

چنانکه اظهارات کنفرانس نمایندگانی کشورهای شرکت کننده در کنفرانس و قطعنامه‌های مصوب در آن نشان دادند، همچنانکه انتظار نیست در این کنفرانس کوشش عمده در جهت برجسته کردن رویدادهای جمهوری دموکراتیک افغانستان و تک نظامی محدود اتحاد شوروی به کشور بود، که به موجب تقاضای دولت قانونی افغانستان بر اساس قرارداد بین دو کشور برای دفع ضد انقلاب خارجی انجام گرفته بود. همین مطلب موجب گردید که جمعی حاکم بر کنفرانس که منطقه می‌بایست علیه امپریالیسم آمریکا باشد که با تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی خود در منطقه و تجاوز نظامی نافرمان علیه جمهوری اسلامی ایران، امنیت و استقلال تمام کشورهای این منطقه و بویژه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را با خطری جدی و واقعی تهدید میکرد، علیه افغانستان و اتحاد شوروی متوجه گردید. قطب‌زاده در کنفرانس، ریسر پوشش مقاومت در برابر تهدیدات «آب قدرتها» مست اصلی حمله را متوجه اتحاد شوروی و دولت افغانستان کرد. علاوه بر این، وزیر بوش هیست متعاندگی ایران، «این از هیست» «مبارزان» افغانی را، که همگی از سرپرندگان امپریالیسم آمریکا و از نمودارهای بزرگ افغانستان بودند، به کنفرانس برد و این در شرایطی بود که

### قطب‌زاده: «ما آمریکا را محکوم نمی‌کنیم»!

دراواخر اردیبهشت ۵۹، دو واقعه همزمان رخ داد که بار دیگر صند بندهای دوستان و دشمنان انقلاب ایران را نمایاند: نخستین واقعه، برگزاری کنفرانس کشورهای عضو پیمان ورشو به مناسبت ۲۵ سالگی تشکیل این پیمان بود، که با شرکت سران کشورهای عضو پیمان در ورشو تشکیل گردید. این کنفرانس، در جلسه نهمی خود، اعلامیه‌ای منتشر ساخت و در آن «تجاوز نظامی و عملیات خرابکارانه اخیر ایالات متحده آمریکا علیه ایران را با قاطعیت محکوم کرد و امور داخلی ایران و نقض حق حاکمیت این کشور توصیف کرد.

دومین واقعه، برگزاری کنفرانس ۹ کشور عضو بازار مشترک در سطح وزیران امور خارجه بود، که در همان زمان (۲۷ اردیبهشت ۵۹) در ناپل (ایتالیا) تشکیل شد و زیر فشار آمریکا «بخاطر کالی» مجازاتهای اقتصادی علیه ایران، را تصویب کرد.

اما وزارت امور خارجه قطب‌زاده نسبت به این تهدید آشکار امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپایی آن بار دیگر سیاست سکوت در پیش گرفت.

بی‌تفاوتی وزارت امور خارجه قطب‌زاده در قبال مداخلات امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران، برخی دیگر از مسئولان جمهوری اسلامی ایران و ایران داشت که، علیرغم تأیید وزارت امور خارجه قطب‌زاده، کنفرانس برای سررسی مداخلات و جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران تشکیل دهند، این کنفرانس با فرمان امام خمینی به رئیس‌جمهوری عودت گردید و صدها هیئت نمایندگی از ۵۰ کشور جهان، از ۱۶ تا ۱۵ خردادماه ۵۹، طرچستان شوروی به بررسی مداخلات و جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران پرداختند و آنها را افشاء و محکوم کردند.

قطب‌زاده، که نمی‌در پس در روزنامه‌ها به دفاع از وابستگان امپریالیسم آمریکا، چون پاکستان و ترکیه

برخاست می‌گفت: «یابد گفت که کشورهای مسلمان مستقل، همچون پاکستان و ترکیه، توسط آمریکا رهبری نمیشوند. (انقلاب اسلامی اردیبهشت ۵۹) درصدد برآمد که به طریق کهن است، از اهمیت کنفرانس گاهدو محکومت آمریکا را تخفیف دهد. وی در آغاز کنفرانس گفت: «مادریان کنفرانس آمریکا را محکوم نمی‌کنیم... این کنفرانس نوعی تبادل نظر است» (اطلاعات، ۱۳ خرداد ۵۹) قطب‌زاده در تاریخ ۳۰ خرداد ۵۹، کمیته کذائی «حل بحران افغانستان» را در ورسو تشکیل داد. کمیته شرکت کردند: رهبران «مبارزان» افغانی-سپس برای دیدن سادات و خالد - دو نوکر دست‌نشانده آمریکا - عازم مصر و عربستان سعودی شدند. قطب‌زاده در ۹ تیر ماه ۵۹، در یک مصاحبه با روزنامه اطلاعات، به دفاع از حق و حقوق برتری ظلمان یکن بر خاست، اورد که یک اعلام می‌کرد: «کمیته‌ها مرتجعترین اقشار در جهان هستند. شیفتگی خود را نسبت به «کمونیسم» نوعی پنهان‌ساخت و گفت: «ما باید روابط خودمان را با چین خیلی وسیعتر و بهتر کنیم، زیرا چیزهای زیادی را می‌توانیم از آنها یاد بگیریم!»

قطب‌زاده کمی بهتر نیز گفته بود: «چرا پاکستان نوکر آمریکا است؟ یک دلیل قانع کننده فاکتور کسی برای اثبات این مسئله نداده... این اتهام که کلاچنیه تبلیغاتی دارد، بسیار ناسازگارانه و بی‌شرفانه است!»

### با متحدان و دست‌نشانندگان آمریکا علیه!

قطب‌زاده در اواخر خردادماه ۵۹ در آستانه توطئه کودتای امپریالیسم آمریکا به اروپا رفت. وی در اسلو، با وزیر خارجه نروژ (عضو ناتو) و با واسطه او، با ویلی برانت در برلین بین الملل سوسیالیستی یعنی مجمع دستیاران امپریالیسم و نیز با هوانگ هواوزیر امور خارجه چین گفتگو کرد. در اجلاس بین الملل سوسیالیستی سخنرانی نمود و سپس به سوئد و پاریس رفت. قطب‌زاده در ۲۳ خردادماه ۵۹، طی یک مصاحبه مطبوعاتی، در مورد

سفرات خود گفت: «ما (یعنی جمهوری اسلامی ایران) این آقایان سوسیالیستها را دارای علائق مشترک هستیم که وجود این دشمن مشترک باعث میشود به یکدیگر نزدیکتر شویم و این دشمن مشترک همان آمریکای جهان‌نوا است!»

قطب‌زاده در تاریخ ۳۰ خرداد ۵۹، کمیته کذائی «حل بحران افغانستان» را در ورسو تشکیل داد. کمیته شرکت کردند: رهبران «مبارزان» افغانی-سپس برای دیدن سادات و خالد - دو نوکر دست‌نشانده آمریکا - عازم مصر و عربستان سعودی شدند. قطب‌زاده در ۹ تیر ماه ۵۹، در یک مصاحبه با روزنامه اطلاعات، به دفاع از حق و حقوق برتری ظلمان یکن بر خاست، اورد که یک اعلام می‌کرد: «کمیته‌ها مرتجعترین اقشار در جهان هستند. شیفتگی خود را نسبت به «کمونیسم» نوعی پنهان‌ساخت و گفت: «ما باید روابط خودمان را با چین خیلی وسیعتر و بهتر کنیم، زیرا چیزهای زیادی را می‌توانیم از آنها یاد بگیریم!»

### قطب‌زاده کی بهتر نیز گفته بود:

«چرا پاکستان نوکر آمریکا است؟ یک دلیل قانع کننده فاکتور کسی برای اثبات این مسئله نداده... این اتهام که کلاچنیه تبلیغاتی دارد، بسیار ناسازگارانه و بی‌شرفانه است!»

### منافع ایران ایجاب میکند که به دو کشور ترکیه و پاکستان، که از سیاست دو ابر قدرت مستقل هستند (۱) نزدیک شویم تا از انفراد در منطقه بیرون آید. تنها دولت بزرگی که می‌تواند به ایران در برابر دو ابر قدرت کمک جدی بکند، چین است!

### نقل از اسناد وزارت امور خارجه ایران، نامه «درم» شماره ۲۶ مورخ ۲۳ تیر ۵۹

### قطب‌زاده: «رسن پسران آقایان (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام) اصالت و اهمیت قائل نیستم»!

امام خمینی، رهبر انقلاب و

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عمل دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را تشدید کردند، و آنرا «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول» نامیدند و بیشترین ارزش را برای آن قائل شدند. امام خمینی، در مورد دانشجویان گفت:

«دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند، ملت را برافراز کردند. اما لیبرالها و از جمله قطب‌زاده از هیچگونه توهین و هتاک نیست به این جوانان مبارز و دلیر ترک‌گذاشتن نکردند. قطب‌زاده در زمانی که امام خمینی بیمار بودند و ظاهراً «پروزیسم» را ازاد کردن «جاسوسان» امریکایی»

در یک قدمی وی قرار داشت، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را به باد حمله گرفت و گفت: «من معتقدم که کار آنها به سود انقلاب نبوده است و حرکات اخیر آنها انحراف از خط امام بوده و کاری به سود مبارزه علیه آمریکا انجام نداده‌اند!» (اطلاعات، ۲۲ اسفند ۵۸) وی همچنین گفت:

«من برای آن آقایانی که آنجا هستند، اصالت و اهمیت قائل نیستم بنابراین تسلیم این بازیها نخواهم شد و جواب همه آنها را هم خواهم داد... دانشجویان هم در این مورد دروغ گفته‌اند.» (اطلاعات، ۱۹ اسفند، ۵۸)

علت خشم و کین قطب‌زاده و دیگر لیبرالها علیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، واضح بود. آنها سبب نابودی لیبرال‌ها با امپریالیسم آمریکا را افشا کرده و بسا شکست مواجه ساخته بودند.

قطب‌زاده در آستانه توطئه کودتای تیره: آمریکا بی‌باید دوام گذشتگار رژیم معلقانه‌ای انجام نداده‌اند و این یک موفقیت برای سیاست آمریکا است!

قطب‌زاده در اوایل تیرماه ۵۹، یعنی در آستانه کودتای نافرمانی آمریکا که هدف قتل امام خمینی است، برای احیای سلطه امپریالیسم آمریکا بر کشور ما تعبیر می‌کرد، با ز به جای هشدار ساختن توده‌های مردم نسبت به علق خطر، یزده سر توطئه کشید.

او گفت: «آمریکاییها در دو ماه گذشته کار غیرعقلانانه انجام نداده‌اند و این یک موفقیت برای سیاست آمریکا است... اگر آنها دست به کارهای غیرعقلانه دیگری نزنند، من خوشبین هستم و اعتقاد دارم این مسأله هر کوبانه‌ترین زمان ممکن حل خواهد شد» («انقلاب اسلامی»، ۳۰ تیر ۵۹)

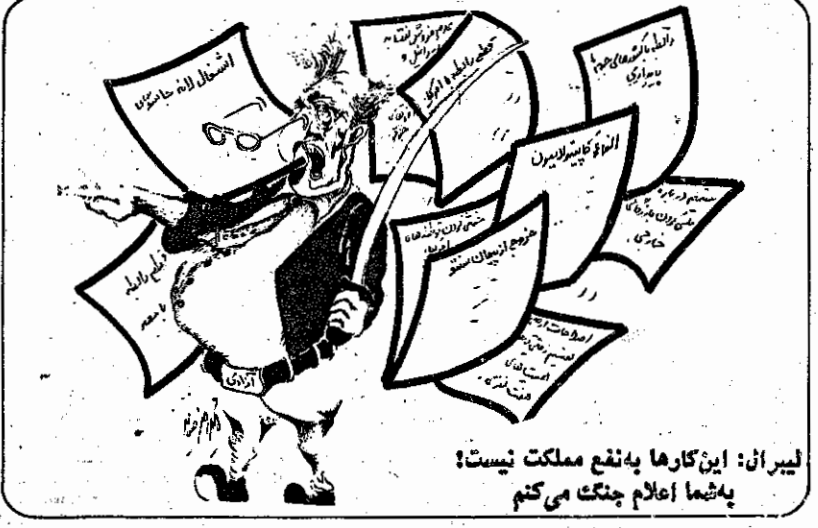
### جعل خبیر از گول سفیر آمریکا در اتحاد شوروی

در آستانه اجرای توطئه کودتای ۱۸ تیر ۵۹، قطب‌زاده اعلام کرد که بر او «سلم شده که توطئه‌های عظیم برای اشغال سفارتخانه‌های ایران در خارج وجود دارد.» (روزنامه‌ها، ۱۴ تیر ۵۹)

او در ۱۲ تیرماه گفت: «در ساعت ۲ بعد از ظهر امروز سفیر جمهوری اسلامی در شوروی تلفنی اطلاع داد که عده کثیری در جلوی کنسولگری ایران در ساکو تجمع کرده و قصد آتش‌زدن سر کنسولگری ایران را دارند.»

قطب‌زاده همین افزود که: «این عده مجهز به مواد آتش‌زا هستند» (روزنامه‌ها، ۱۳ تیر ۵۹) اما سبب معلوم شد که خبر جعلی بوده است:

... دکتر مکرری در یک مصاحبه تلفنی گفت، وی شخصاً به همراه یک گروه چندصد نفری ایرانیان از میدان خیابانهای باکو به مسجد اصلی این شهر رفته‌اند. مکرری گفت: آنها شعار الماکرم و خمینی رهبر می‌دادند و سپس گفته در صفحه ۶



لیبرال: این کارها به نفع مملکت نیست! به شما اعلام جنگ می‌کنم

کارگران موزائیکساز:

ما حتماً در این جنگ پیروزمی شویم، به شرط اینکه باهم متحد باشیم

کارگران موزائیکساز، در هر روز کار، به اندازه یک عمر زجر می کشند... ساده ترین بیماری برای کارگران موزائیکساز، درد پا و کمر است... باید برای این کارگران زمینه مناسب کار و زندگی را مهیا کرد

کارگران موزائیکساز، گروهی دیگر از زحمتکشان مینما هستند. صد ها کارگر در چندین کارخانه موزائیک سازی تهران، چندین ساعت در روز، دریکی از سخت ترین شرایط مشغول به کار هستند. در هر کارخانه، بیش از ۵ کارگر کنار می کنند.

کار می کند که در فضای باز قرارداد و کارش غالباً زمینی است. درباره کارش می گوید: "من حدود هشت سال است که به این کار مشغولم و از ۷ صبح تا ساعت ۴ بعد از ظهر کار می کنم. از اول تا آخر کار، یکسره روی پیا هستم. پس از ۸ تا ۹ ساعت کار سنگین در این هوای سرد و محیط نملک، آنچنان کمر، کتفها و پاهایم درد می گیرد که دیگر نمیتوانم هیچ کاری انجام دهم."

زمان طاقت کارفرماها با ما کارگران هرگاری که دلشان می خواست، می کردند و اگر ما شکایت می کردیم، آنها قوری رشوه می دادند و کار را به نفع خودشان تمام می کردند و لسی الان دیگر این طوری نیست. نظرش را درباره جنگ تحمیلی برسدیم. گفت: "من دانی، این جنگ پس از انقلاب شروع شد و صدام یزید برای حفظ منافع ارباب های آمریکائیش به ایران حمله کرد. ولی خوشبختانه شکست خورد. الان هم وطنان ما در مریزها مشغول جنگ با مزدوران صدامی هستند. ما کارگران هم در پشت جبهه با تمام توان خودمان کار می کنیم و هر وقت لازم شد، به جبهه می رویم، ما حتما در این جنگ پیروز می شویم. به شرط این که با هم متحد باشیم و سختی های ناشی از جنگ را تحمل کنیم."

"من فکر می کنم بیخ نش میهمی را در جنگ اخیر ایفا کرده است و همه مردم از زن و مرد، کارگر و کارمند، برای این که آمادگی مقابله با حمله دشمن را داشته باشند، باید در بسیج شرکت کنند. من خودم مدت زیادی نیست از خدمت برگشتم، و هر وقت لازم باشد، حاضرم به جنگ این صدام آمریکائی بروم. حالا هم بگویند برو جبهه، میروم. چند قدم آن طرفتر، حمید را می بینم که متفوق صقل دادن موزائیکهاست. سروروش سفید شده و از خدمت سرما می لرزد، و هر چند دقیقه یکبار به وسیله آتش که با تکه های چوب درست کرده است، خود را گرم می کند. حمید می گوید: "من ۵۳ سال دارم و حدود ۴۶ سال است که پای دستگاه صیقل کاری تابستانها عرق ریختم و زمستانها لیزیدم. دستمزد هم روزی صدویستتومان است و از آنجا که نمی توانم خرج خانواده ۷ نفرم را تأمین کنم، یکی از سپهرایم را نیز آورده ام اینجا کار کند. شرایط کار راحم که خودتان می بینید، بدین سن و سال، باید روزی هشت، نه ساعت در این هوای سرد، سرما بایستم و موزائیکها را حقیقتاً بدهم. هیچگونه امکاناتی هم در اینجا برایمان فراهم نیست. در حالی که سرینا باره ای را نشان می دهد، می گوید: "این هم به اصطلاح سرینا من است. چندمتر پارچه، که وقتی باران می بارد، از آن طرف و آن طرف آب می چکد. درباره باز نشستگی اش اظهار داشت: "کار فرمایم می گوید، تو از این ۴۶ سال فقط ۲۸ سال آن را اینجا کار کرده ای. در نتیجه هنوز نمیتوانی از مزایای باز نشستگی استفاده کنی. من هم فعلاً به خاطر شرایط جنگی کشور و بخاطر این که به کار تولیدی لطمه نخورد، این شرایط سخت کار را تحمل می کنم."

و سرپایه دارها دانشا جلوی راه انقلاب سنگ می اندازند. مثلاً همین جنگی که مزدوران صدامی به ما تحمیل کرده اند، برای نابود کردن انقلاب ماست، ولی ما حتماً در این جنگ پیروز خواهیم شد. حمید کارگر زحمتکش کارخانه اوزنگی نیز مانند سایر زحمتکشان مینمایان آمادگی خود را برای مقابله با تجاوزین صدام آمریکائی اعلام می کند و می گوید: "من با این که دیگر پرشده ام، ولی با اینحال همیشه آمادهم از انقلاب در مقابل آمریکا دفاع کنم." می بینم که آنها نیز وضعی کم و بیش مشابه بقیه دارند و خواهان رسیدگی به شرایط سخت کار خود هستند.

بعضی از کارخانه ها نیز در قطعه زمینی خاصی در فضای باز واقع شده اند و کارفرما چند دستگاه در آن قرارداد و آنجا را به کارخانه تبدیل کرده است. سرینا کارگران نیز چندتکه حلبی پوشیده، چوب شکسته و یا پارچه است. صاحبان کارخانه ها، از کارگران خارجی و بویژه کارگران افغانی در کارخانه ها بوفور استفاده می کنند، زیرا آنها، در مقابل دستمزدی کم، حاضرند ساعات بیشتری کار کنند.

وسایلی هم نیست که با آن خود را گرم نگه دارم. سرینا هم چند تکه حلبی است. من کتراتی کار می کنم و برای هردانه موزائیک (بسته به نوع موزائیک) از سه تا ده ریال مزد می گیرم. این کار هیچ آخرو عاقبتی ندارد. اولاً اگر یک روز کارکنی، از پول هم خبری نیست. ثانیاً، کارگر پس از چند سال، به علت کمر درد و پادرد، دیگر قادر به کار کردن نیست، و از آنجا که ما کارگر رسمی نیستیم، حقوق باز نشستگی هم به ما نمی دهند. من اگر مجبور بودم، این کار را، یا این شرایط سخت، هرگز ادامه نمی دادم."

چند دقیقه ای از ریزش باران شدید می گذرد، ولی قربان، یکی از کارگران "ناری" ساز مجبور است به کار ادامه دهد. لباس هایش خیس شده و گل و سیان تا پیهایش را پوشانده است، به طوری که سخت میتوان کتفهای آستینکی اش را تشخیص داد. وی اهل سلماس است و حدود ۲۴ سال دارد. درباره کارش می گوید: "من از حدود یکماه پیش در اینجا مشغول کار شده ام و "ناری" ساز هستم. روزی صدتومان دستمزد می گیرم. اینکار مخصوصاً در این فصل سرما خیلی سخت و توان فرساست زیرا گذشته از رطوبت عادی کار، در فصل سرما دانشا و باران هم می بارد. مگر چند وقت میتوانم با این شرایط به کار کردن ادامه بدهم؟ اگر میشد بشوم، نمیتوانم. دکتر بروم، چون من تازه کار هستم و کار فرما مرا بیمه نمی کند."

چند دقیقه ای از ریزش باران شدید می گذرد، ولی قربان، یکی از کارگران "ناری" ساز مجبور است به کار ادامه دهد. لباس هایش خیس شده و گل و سیان تا پیهایش را پوشانده است، به طوری که سخت میتوان کتفهای آستینکی اش را تشخیص داد. وی اهل سلماس است و حدود ۲۴ سال دارد. درباره کارش می گوید: "من از حدود یکماه پیش در اینجا مشغول کار شده ام و "ناری" ساز هستم. روزی صدتومان دستمزد می گیرم. اینکار مخصوصاً در این فصل سرما خیلی سخت و توان فرساست زیرا گذشته از رطوبت عادی کار، در فصل سرما دانشا و باران هم می بارد. مگر چند وقت میتوانم با این شرایط به کار کردن ادامه بدهم؟ اگر میشد بشوم، نمیتوانم. دکتر بروم، چون من تازه کار هستم و کار فرما مرا بیمه نمی کند."

کارگاههای کوچک کثرت در رشته های مختلف دچار چنین ناسامانی هابی هستند. باید این ناسامانها به سود کارگران و در جهت تأمین منافع آنها سامان یابد. اگر ضمانت اجرای قانون کار، از سوی مقامات ستول تضمین شود، می تواند تا حد بسیاری در حل مشکلات موثر باشد. قانون کار باید تمام مویبیت و کسارتها را دولتی و خصوصی، کوچک و بزرگ را دربرگیرد.

سود بیشتر بر روی هردستگاه چند کارگر را به کار می گیرند. در حالی که معمولاً باید یک کارگر بر روی یک دستگاه کار کند. در نتیجه موزائیک بیشتری تولید می شود و کارگران دیگر (کارخانه "ناری" ساز و غیره) نیز مجبورند بیشتر کار کنند و در پایان کار، دیگر رمقی برای کارگران باقی نمی ماند.

کارخانه اوزنگی یکی از دهها کارخانه موزائیک سازی در تهران است. در این کارخانه ۸ کارگر کار می کنند، که از آنها، ۳ نفر قالب زن، دو نفر "ناری" ساز و یک نفر صیقل کار هستند. بار کارگر دیگر نیز به خالی کردن بار کامیونها و حمل و نقل موزائیکها اشتغال دارند. در کارخانه اوزنگی ۵ دستگاه پرس و یک دستگاه کارخانه وجود دارد، که تنها یکی از پرسها در اطراف کارخانه قرار دارد. کارخانه به حقوق تضمین شده کارگران این سال دارد و اهل ماکو است. وی روی دستگاه برسی

"پادرد و کمر درد خودش خطر جدی است، ولی گذشته از این، سیم های برق این دستگاه همه زیر دست و پاهاست و گاه اتفاق می افتد که سیمها اتصالی می کنند و من دچار برق گرفتگی می شوم و یا ممکن است که بر اثر یک لحظه غفلت، قالب زیر پرس بترکد و قطعاتش به بدنم اصابت کند. همچنین به علت اینکه دستهایم روزی چندین ساعت داخل شن و سیان و ماسه است، موجب بیماری های پوستی می شود."

دربورد سندیکا می گوید: "کارگران موزائیک سازی همتاها را داشتن سندیکا محروم هستند. سندیکا حامی ما کارگران است، ما هم اگر سندیکا داشتیم، میتوانستیم حق خودمان را از کارفرمایان سودجو بگیریم. در مورد انقلاب می گوید: "از انقلاب راضی هستم. در

باید کارگران را از وسایل ایمنی و رفاهی و بهداشتی برخوردار کرد. در مورد بیمه های اجتماعی و مسئله باز نشستگی باید تذکر شد که در بسیاری از کارگاههای کشور، کارگرانی سابقه کار بیش از ۳۰ سال (که حتی گاهی پنجده سال نیز می رسد) هستند و هنوز هم کار می کنند. با این حال از حقوق باز نشستگی محروم هستند. "حمید" کارگر این موزائیکساز، خودنویس است که باید به آن رسیدگی شود. حمید با ۴۶ سال سابقه کار هنوز باز نشسته نشده است و بهانه کار فرما اینست که وی تنها ۲۸ سال در این کارگاه کار کرده است!

شرایط کار و زندگی کارگران روزمزد راه آهن فیروزکوه اسفبار است. این کارگران با شرایط مشکل کار، از هیچگونه امکانات رفاهی برخوردار نیستند و با دستمزد کم، حتی قادر به تأمین حداقل زندگی خود نیستند. در مسیر خط آهن فیروزکوه - گدوک ۵۵ کارگر کنار می کنند، که ۳۵ نفر آنها رسمی و ۲۰ نفر مینمایان هستند. بین هزار تا پنج هزار تومان متضار است. اما مسئله بر سر کارگران مینمایان است. این کارگران ما هانه حدود ۱۷۷۵ تومان دستمزد می گیرند، ولی علی رغم این دستمزد کم، هزینه و دیگر حقوق قانونی ندارند.

کار فرما نیز به علت آنکه کارگران از اجواست بیمه شدن خوددستبر دارند، آنها را هر دو ماه یکبار بمدت پنج روز از کار اخراج می کند و دوباره به سرکار برمی گرداند. کارگران مینمایان، که از روستاهای اطراف هستند، هیچگونه وسیله ای برای رفتن و آمد ندارند و مجبورند میزبان قابل توجهی از دستمزدان چیز خود را به بیابان و دشتسب ببردند. اکثر این کارگران

اینجا به غیاز روزهای جمعه، دیگر از تعطیلی خبری نیست. تازه عیداله هم باید از ۷ تا ۵ صبح کار کنیم. درباره وضع زندگی می گوید: "وضع زندگی منگود. به همراه عیداله و چند نفر دیگر از کارگرا، در اطراف کوهسین جاست، زندگی می کنیم. من فقط یک کار در شهر خودمان می خواهم. بتوانم پیش خانواده ام زندگی کنم. درباره سیخ و جنگ می گوید: "برای آنکه این مخارج را تحمل نشوند، شبها در روستای گدوک در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرمای، بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه ها و کارگاهها، صرفاً و نظراً ز تعداد شان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران صنعتی، کشاورزی، ساختمانی و غیره را دربرگیرد. کارگران شاغل در راه آهن

وضع زندگی منگود. به همراه عیداله و چند نفر دیگر از کارگرا، در اطراف کوهسین جاست، زندگی می کنیم. من فقط یک کار در شهر خودمان می خواهم. بتوانم پیش خانواده ام زندگی کنم. درباره سیخ و جنگ می گوید: "برای آنکه این مخارج را تحمل نشوند، شبها در روستای گدوک در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرمای، بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه ها و کارگاهها، صرفاً و نظراً ز تعداد شان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران صنعتی، کشاورزی، ساختمانی و غیره را دربرگیرد. کارگران شاغل در راه آهن

از اخراج نیز کارگر باید این تضمین را داشته باشد که در جای دیگر استخدام خواهد شد. همچنین سرویس رفت و آمد کارگران نیز باید تأمین شود. مسیر رفت و آمد این کارگران نیز باید توسط سرویس خودم و سپردن سپردن است. بطوریکه مجبورند برای صرفه جویی در هزینه، از رفتن به خانه و نزد همسر و فرزندان خود محروم شوند. دستمزد کارگران بسیار ناچیز است و با گرانی کمر شکن موجود نمی تواند جوابگوی نیاز این کارگران باشد. حداقل دستمزد کارگران باید بر مبنای هزینه زندگی یک خانسانواده چهار نفری تعیین شود و همرا، با بالاترین هزینه زندگی و نرخ تورم افزایش یابد.

شرایط کار و زندگی کارگران روزمزد راه آهن فیروزکوه باید مورد رسیدگی قرار گیرد

برای آنکه این مخارج را تحمل نشوند، شبها در روستای گدوک در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرمای، بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه ها و کارگاهها، صرفاً و نظراً ز تعداد شان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران صنعتی، کشاورزی، ساختمانی و غیره را دربرگیرد. کارگران شاغل در راه آهن

برای آنکه این مخارج را تحمل نشوند، شبها در روستای گدوک در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرمای، بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه ها و کارگاهها، صرفاً و نظراً ز تعداد شان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران صنعتی، کشاورزی، ساختمانی و غیره را دربرگیرد. کارگران شاغل در راه آهن

برای آنکه این مخارج را تحمل نشوند، شبها در روستای گدوک در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرمای، بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه ها و کارگاهها، صرفاً و نظراً ز تعداد شان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران صنعتی، کشاورزی، ساختمانی و غیره را دربرگیرد. کارگران شاغل در راه آهن

برای آنکه این مخارج را تحمل نشوند، شبها در روستای گدوک در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرمای، بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه ها و کارگاهها، صرفاً و نظراً ز تعداد شان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران صنعتی، کشاورزی، ساختمانی و غیره را دربرگیرد. کارگران شاغل در راه آهن

برای آنکه این مخارج را تحمل نشوند، شبها در روستای گدوک در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرمای، بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه ها و کارگاهها، صرفاً و نظراً ز تعداد شان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران صنعتی، کشاورزی، ساختمانی و غیره را دربرگیرد. کارگران شاغل در راه آهن

# انجام اقدامات بنیادی بسود زحمتکشان روستا،

## یکی از راههای عقیم‌گذاشتن توطئه‌های پلید آمریکاست

منطقه خروسلو در حدود ۲۵ روستا را در بر می‌گیرد، که همه آنها از ایلات شاهسون هستند که تحت قابو شده‌اند. دامداری کار زراعت را همراه با دامداری انجام می‌دهند، خاک بزیار و مغان و آب‌وهوای آن برای دامداری و زراعت غله بسیار مناسب است، لیکن تسلط زمینداران بزرگ بر منطقه توأم با سیاست است که دهقانی و فکشاوری رژیم از گون شده پهلوی، موجب شد که روستاییان در کمال فقر و محرومیت بسر ببرند، و فقط وسیله‌ای برای غارت و چپاول خوانین و سلف‌خرا باشند. برای آشنایی بیشتر با منطقه، به وضع دور روستا نظری می‌افکنیم:

روستای اوجاق قشلاق در ذره‌ای سبز و خرم قرار دارد که زیبایی آن گویی پوششی است بر روی تمام دره‌ها و بدخشیای روستایان زحمتکش در روستا ۷۰ خانوار زندگی می‌کنند که از این میان ۲۵ خانوار کم‌زمین و بی‌زمین هستند، روستاییان تبه‌دست روستا مدت‌هاست که چشم انتظار زمیندار شدن هستند، هیئت هفت نفری تاکنون چندین بار به اوجاق قشلاق آمده و تحقیقاتی هم انجام داده، لیکن قانون املاجات ارضی هنوز اجسرا شده است.

روستاییان تبه‌دست تلذ بحال دوبار به هیئت هفت نفری نامه نوشته و خوابتار رسیدگی فوری به این مسئله شده‌اند، افرادی که در اراضی وسیع هستند، کردار هیئت اخلاص می‌کنند، آنها حتی در میان خود روستاییان دست به تفرقه می‌زنند و از شکل روستاییان بی‌زمین و کم‌زمین جلوگیری می‌کنند.

از سویی دیگر بنظر میرسد که برخی از افرادی که در خط امام نیستند و در هیئت‌های هفت نفری نفوذ کرده‌اند، به کار هیئت‌ها طعنه وارد آورده‌اند، طعنه‌ها نیز تکیه بناها می‌باشد، انقلابی که امام خمینی با رهبری آن تأکید کرده‌اند، بزرگوار اهمیت خود را نشان می‌دهد، زیرا تقریباً در سراسر کشور هیئت‌های هفت نفری مرتکب از جوانان متعهد و مسئول با جان و دل در خدمت انقلاب و روستاییان زحمتکش قسرا گرفته‌اند و بسیار استثنائی و نادراست که هیئت‌ها اجازه نفوذ افراد ناباب و سازشکار را داده‌باشند.

در روستای اوجاق قشلاق هفت دستگاه تراکتور وجود دارد که در مالکیت خصوصی اشخاص است. تراکتورها علاوه بر کارهای کشاورزی به کار حمل و نقل نیز می‌یابند، زیرا برای نقل بار می‌توانند تنها وسیله تراکتور می‌تواند در جاه‌های منطقه رفت‌وآمد کرد.

روستا فاقد حمام و فاضله آن تا شهر هم زیبا است، لذا استخدام برای روستاییان بصورت متکلی در آمده است، مسجد، از یک چهار دیواری گلی درست شده، که در حال ریزش است، مدرسه روستا مخروبه‌ای است که ۴۰ نفر محصل دختر و پسر و ۲ نفر معلم

دارد، البته یک باب مدرسه در دست ساختمان است، که امید است مسئولین امر در این زمینه سرعت عمل به خرج دهند، در میان سوادان در میان جوانان بسیار نازل است، اهالی اغلب بخاطر دوری از مرکز شهر و نبودن مدرسه و عدم توانایی مالی، از تحصیل محرومند.

یکی دیگر از مظاهر نوم‌ارزیه رژیم گذشته این است که زنان و کودکان از حقوق اولیه محروم هستند، در هر خانه یک دستگاه قالی‌بافی وجود دارد که زنان و کودکان، علاوه بر کشاورزی و دامداری و خانه‌داری به آن نیز می‌پردازند.

در روستای اوجاق قشلاق از آب لوله‌کشی و برق خیبری نیست، تنها منبع تامین آب روستا قناتی است که آن آب مورداستفاده انسانها و دامها و اراضی (که البته ۷ هکتار بیشتر را آبیاری نمی‌کند) قرار می‌گیرد، قنات مذکور در سابق دارای آب فراوان بود، می‌توانست به ۱۰۰ هکتار زمین آبی‌برساند، ولی اکنون خطر خشک شدن آنرا تهدید می‌کند، تمام اراضی بصورت دیم‌کاشته می‌شوند، عمده محصولات روستا گندم و جو و کشت بهاره نیز خود است.

روستاهای اوجاق قشلاق واقع در دشت مغان است، که دارای اراضی مزرعی گسترده است، دیگر نباید اجازه داد که مالکیت‌های بزرگ ارضی بناحق وسیله‌ای برای چپاول و غارت و توطئه بزرگ مالکان و دیگر بهره‌کشان باشد، دهقانان زحمتکش شور و عطف فراوانی به نواحی تولید بیشتر بمنظور رسیدن به خودکفایی و استقلال کشور دارند، در حالی که چپاولگران شهر و روستا سعی در برابری تجلی این شور و علاقه هستند، هیئت‌های هفت نفری می‌توانند و باید وسیله موزی برای گسترش این شور و علاقه و تحقق آرزوها و امیدهای دهقانان باشد، هیئت‌های هفت نفری در آورند، هیئت‌های هفت نفری برای تخریب ترشدن کارخان سماجی‌ها، نخواهند داد که افراد غیرانقلابی و مخالف مصالح روستاییان زحمتکش، میان آنان نفوذ کنند، آنها از یک سوی جلوی هرگونه سازش و گدشته بزرگ مالک را خواهند گرفت و از سوی دیگر مانع هرگونه تخریب و تحریک که احتمالاً به نفع روستاییان دهقانان خرد یا منجر نشود، خواهند شد.

هم‌زمان با اجرائی قانون، باید زمینه برای فعالیت‌های تولیدی روستاییان انقلابی و امکانات تعاونی و هم‌پاری فراهم آید، واگذاری زمین به صورت متاع، بگه زمین‌های کشاورزی ایجاد تعاونی تولید فراهم می‌کند، بسیار مفید و ضرور است و به حل مسئله آب و چاه و وسایل کشاورزی نیز کمک می‌کند، انجام اقدامات لازم در جهت تامین منافع زحمتکشان روستا، خود یکی از راه‌های عقیم‌گذاشتن توطئه‌های پلید آمریکاست.

# روستایی زحمتکش: «صدام بکمک آمریکا به نجات اربابها آمده است»



آسیابان روستا از نیون سوخت شکایت دارد. آسیاب فرحال خوابیدن است.

روستای آبی سغلا، که در میان روستایان به "او" معروف است، در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی بخش خدا بنده "قیصار" زنجان واقع است، این روستا ۳۰۰ خانوار را در بر می‌گیرد که از این تعداد ۷۰ خانوار آن خوش نشین هستند، اینها اکثراً در ده و منطقه سرگردانند، آنها اغلب برای دهقانان شروتمند و میانه‌حال کار می‌کنند و نیز برای دست‌یابی به کارهای شهرها می‌روند.

مشکل اساسی روستاییان زحمتکش زمین است، یکی از روستاییان در این مورد می‌گوید:

"اگر یک هکتار زمین مزرعی داشته باشم، دیگر چیزی نمی‌خواهم و مجبور نخواهم بود که برای یافتن کار در روستا و اطراف منطقه سرگردان باشم." روستاییان دا و طلبانه زمین‌های خراب را نماند، سبب بی‌بختی و گندم و... به جبه جنگ ارسال داشته‌اند، بیش از ۵۰ نفر از جوانان روستا آماده عزیمت به جبهه جنگ با مجاوران صدامی هستند، قبلاً بسنج مستضعفین برای آموزش نظامی به روستا آمده است، خسود روستاییان نیز در مرکز بخش بارها در این آموزش شرکت کرده‌اند، چندین از جوانان روستا در سیاه پاسداران، از انقلاب بزرگ ضدستکبران پاسداری می‌کنند.

برای تعلیم دهقان خوش‌نشین، مفیده دارد:

"صدام به کمک آمریکا به نجات اربابها آمده است، به همز بدبختی‌های ما از بسوی شیطانان (ده) شیطان بزرگ است، یکی از دهقانان تبه‌دست می‌گفت:

"حالا بیشتر ما را داخل آدم حساب نمی‌کنند، شش روز بی‌دین خاطر بیت‌زیر را خواند:

"بوجوخ فلک ترسینسه دوران ادبیرایندی  
فعله آژونی داخل انسان ادبیرایندی"

(باورونه شده کار جهان، گذردش عالم)  
حالا شده هر کارگری داخل آدم)

در روستای آبی سغلا به همت جفا دسا زندگی ب لوله‌کشی تکمیل مورد بهره‌برداری قرار گرفته است، خیرهای برق روستا نیز توسط جهاد صفت گزیده‌بند، اهالی از مقامات مسئول می‌خواهند که هر چه زودتر این کار نیمه‌تمام راه اتمام برسانند.

آسیاب روستا بعلت فقدان و گرانی سوخت در حال از کار افتادن است، آسیابان می‌گوید:

"۳۰ الی ۳۵ درصد سهمیه گازوئیل داریم، اما آن را باید در مرکز بخش تحویل بگیریم و هزینه حمل آن به روستا بسیار گرانتر از خود سوخت تمام می‌شود.

بدین خاطر، روستاییان مجبورند برای آرد کردن گندم و تهیه خوراک بدیگر نقاط بیرون و متمم مخارج اضافی گردند.

حمام روستا قدیمی، غیر بهداشتی و دارای خزینه است، در روستا هیچ‌سازمان کودکانه‌ای که به امراض یوستی، بخصوصی کلیجی گرفتار هستند، روستاییان می‌گویند:

"حالا که آب لوله‌کشی

درده بوجود آمده، چه خوب است که با کمک جفا دسا زندگی دیگر ارگانهای مشول و بی‌کمک خودمان ما صاحب حمام شویم." زنان روستا، ضمن تحمل بار سنگین خانه‌داری، دامداری و کشاورزی، اوقات فراغت را، همراه با دختران کوچک خود به یافتن قالیچه می‌گذرانند.

روستاداران یک دبستان است، اما تمام دختران از تحصیل محرومند، آنها مجبورند به خانواده‌ها کمک کنند.

برای تعلیم بد رستی‌ها هیت پلید: صدام و جنگ تجا و زکانه وی علیه ایران انقلابی را افشا می‌کند، براتصلی وقتی که می‌گوید:

"صدام به کمک آمریکا به نجات اربابها آمده است، به خوبی رابطه محکم میان زمینداران بزرگ ظالم آمریکا را بیان می‌کند، و ما هم اکنون می‌بینیم که همین زمینداران چپا ولگر چگونه با تمام وجود برای بشعربا شدن توطئه تازه آمریکا تلاش می‌کنند، تمام آرزوی زمینداران بزرگ تحقق توطئه جدید آمریکا و زکونی جمهوری اسلامی ایران است.

ولی آنها این آرزو را بگور خواهند برداگر بهیئت‌های هفت نفری، بدون انسک تامل و نوسیدی و تردید، فائنه اطلاعات ارضی را بسود دهقانان تبه‌دست و محروم به اجرا در آورند و حق را به حقدار برسانند، اگر دولت و تمام سازمان‌های وابسته به آن، با تمام وجود، وسایل کنار این کشاورزان، از قبیل تراکتور، بود بدروغیسه را فراهم آورند، اگر با نوسازی روستاها، وسایل رفاه این ستم‌کشیدگان تامین شود.

دیداری از روستاهای آبی سغلا، با دیدگری این حقیقت بسیار مهم و زانبرابر اقرار می‌دهد که در جا معنه انقلابی ما زنا با بدبختی در کشور و شایسته باشد، در هیچ‌کدام در شان انقلاب ما نیست که زنان و محبت‌ستم مغضاب بسر ببرند و زمین‌ها برده و بنده در نظر گرفته شوند، زنان باید از مواهب انقلاب و نصیحت زندگانی بطور کامل برخوردار گردند، آنها از همه امکانات از آنجمله از امکان تحصیل بهره‌مند گردند، جا دارد که بناهای انقلابی، از طریق برپایی جلسات سخنرانی و آموزش در روستاها و ارتقاء سطح آگاهی روستاییان نسبت به مقام والای زن، زمینه را برای بهره‌وری از این امکانات فراهم آورند، این سود انقلاب و شایسته آن است.

# جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر در راه پیشرفت

از استقلال ملی الجزایر در ۱۴ تیر ۱۳۴۱ نزدیک به دو دهه می گذرد "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" در این دوران کوتاه تاریخی در راه تحولات مترقی خویش به دستاوردهای چشمگیری دست یافته است. رهبری انقلابی - دمکراتیک الجزایر - چنان که اسامی کنگره های "جبهه آزادی بخش ملی" (در پاریس ۱۳۴۱) و الجزیره (۱۳۴۳) گواهی می دهند - بلافاصله پس از پیروزی، به اقدامات قاطعانه برای تحکیم استقلال ملی و جبرگی سرمایه شوم وابستگی و واپس ماندگی اقتصادی دست زد. یکی از مهم ترین این اقدامات، ملی کردن شرکت های خارجی و ایجاد پایگاه اقتصادی مستحکم بر پایه بخش دولتی بود.

آموزش همگانی، مبارزه با بیسوادی و بهداشتی و بهزیستی تأیید گردید. برای نمونه، در الجزایر آموزش سه ساله، اجباری و رایگان است. اکنون کوشش به عمل می آید که زبان عربی به عنوان زبان ملی، جایگزین فرانسوی شود. چهارمین کنگره "جبهه آزادی بخش ملی" در زمستان سال ۱۳۵۸ به بررسی انتقاد از تحولات هیجده ساله الجزایر پرداخت و بخشی کنگره را درباره مسائل بنیادی که الجزایر در سال های ۸۰ با آنها مواجه خواهد بود، آغاز نهاد. کنگره ۱۳۵۸ مبنی سیاسی منشور ملی الجزایر (۱۳۵۵) را بازنگری تأیید کرد. این سند، در واقع، بنیاد برنامه توسعه و ترقی زیربنایی "جبهه آزادی بخش ملی" است. این بخش، پیش از همه، دو مسئله مهم استراتژیک را در بر می گیرد: (۱) استقرار تعادل و تناسب اقتصادی، به منظره، مقابله با مسائل

مردم اجتماعی، مانند آفریقای محلی کار و آموزش، تا به امروز در سطح بسیار پایین بوده است. ارزش عمومی و حل مسئله کمبود مکن. (۲) تحکیم و تأمین نقش "جبهه آزادی بخش ملی" به عنوان "حزب پیشاهنگ خلق الجزایر" و الهام بخش تحول سیاسی و اجتماعی الجزایر. آزمون های کثرتی ضرورت تشکیل و همبستگی نیروهای مترقی را برای رهبری کارآیی خلق و مقابله با تهاجمات ضدانقلاب هرچه بیشتر ثابت می کند.

بزرگداشت شادلی بن جدید، دیربخت "جبهه آزادی بخش ملی"، در سخنرانی که در تاسیسات اسامی از کنگره "فوق العاده" "جبهه آزادی بخش ملی" کرد، گفت:

"بگوئیم تا حزب پیشاهنگ ما، "جبهه آزادی بخش ملی"، در سخنرانی که در تاسیسات اسامی از کنگره "فوق العاده" "جبهه آزادی بخش ملی" کرد، گفت: خط ایدئولوژیکی تحکیم یابد، که "منترتومی" برای ما ترسیم کرد. این نخستین وظیفه پاسداری از انقلاب و هدف های است که برای پیشبرد آنها می روییم." شادلی بن جدید، در این کنگره با طرح شعار "شغل مناسب را به فرد مناسب سپریم!"، مسئله کادر انقلابی و کارآیی ساختار حزب را به مباحثه گذاشت.

کنگره فوق العاده "جبهه آزادی بخش ملی" در آئین نامه "جبهه" برخی تغییرات وارد ساخت که هدف آنها بهبود کار حزب در میان توده مردم بود. از جمله تصمیم گرفته شد که در کارخانه ها سلول های حزبی ایجاد گردد. فزون بر این، شماره، اعضای هیئت سیاسی از ۱۷ به ۷ تقلیل یافت.

چندی بخش برنامه پنجساله (۱۳۶۲ - ۱۳۵۹) الجزایر به تصویب رسید. کنگره فوق العاده "جبهه آزادی بخش ملی" اولویت های این برنامه را به ترتیب زیر تعیین کرده بود:

بهر بهره برداری بهتر از ظرفیت تولیدی موجود (تکمیل سیستم برنامه ریزی و مدیریت)

## داستیهای چند درباره "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر"

نام رسمی: جمهوری الجزایر  
مساحت: ۲۲۸۱۷۴۱ کیلومتر مربع  
جمعیت: ۱۹۱۳۵۰۰۰ نفر (۱۳۵۸)  
زبان های رسمی: عربی و فرانسوی  
احزاب و سازمان ها: "جبهه آزادی بخش ملی"، "اتحادیه ملی جوانان الجزایر"، "فدراسیون عمومی رزستانس الجزایر"، "اتحادیه ملی زنان الجزایر"، "اتحادیه ملی دهقانان"

پول: دینار، ۱ دینار = ۱۰۰ سنتیم  
منابع طبیعی: نفت، گاز، مس، آهن، ذغال سنگ، سرب، مس، و لنگرام، سنگ، نیکل، اوران، جیوه.  
تولید سالانه نفت: در حدود ۵۵ میلیون تن  
تولید سالانه گاز: ۱۵ میلیارد مترمکعب  
سهم صنعت در فراورده نایژه اجتماعی: در حدود ۴۰ درصد  
سهم کشاورزی در فراورده نایژه اجتماعی: در حدود ۵ درصد  
مهم ترین فراورده های کشاورزی: گندم، جو، سیب زمینی، سبزی، انگور، ماهیگیری، گوسفند، گاو، اسب



الجزایر در بخش غیرمتعدداً مقامی صاحب را حاضر است. اظهارات سیاستمداران الجزایر حاکی از آنست که آنها نیز ارواح متنگرند. آنها بویژه ضرورت حل مسأله تأمین اختلافات و مقابله با کوشش امپریالیست ها را در راه ایجاد پایه های نظامی جدید، از جمله در آفریقا و فیلیپین، هند یادآور شده اند. الجزایر فعالیت برای تقویت "جبهه پایداری" و تحکیم همبستگی میان کشورهای عرب، در قبال "رهافت های امپریالیستی، چون "کپی دیوید" برای مسئله خاورمیانه، می زند.

از دیگر اولویت های سیاست خارجی الجزایر، حل مسأله تأمین مسأله صحرای غربی و آفریقای شمالی است. الجزایر در چارچوب سازمان های بین المللی و در مسابقات دو جانبه خود هوارده راه تأمین صلح و تقویت "جبهه نیروهای مترقی جهان گزیده شده است.

دستی با جامعه کشورهای سوسیالیستی، که چه در دوران مبارزه دنییه خلق الجزایر علیه استعمارگران فرانسوی چه در روند بازسازی این کشور پس از پیروزی، از هیچ گونه کمکی به مردم الجزایر دریغ نرورده اند، یکی از ارکان عمده سیاست خارجی "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" را تشکیل می دهد.

تقویت قابل ملاحظه بخش کشاورزی، بویژه رشته های تولید مواد خوراکی، توسعه اقتصاد آب برای تأمین بهترین تاسیسات صنعتی، کشاورزی و کسکه.

بهبود خدمات اجتماعی برای پیشبرد هرچه بهتر وظایف فوق الذکر، گسترش نظام آموزشی و استفاده هرچه بیشتر از کادری های الجزایری، توسعه هرچه زودتر سرمایه گذاری های آغاز شده یکی دیگر از مسائلی که در کنگره فوق العاده "جبهه آزادی بخش ملی" مورد بحث قرار گرفت، توسعه بازگانی خارجی الجزایر با هرچه بیشتر از کشورهای جهان است. چه اکنون بیش از ۹۰ درصد بازگانی خارجی الجزایر با کشورهای امپریالیستی صورت می گیرد و میهن دوستان الجزایر در این پیونده، به حق، خطر بزرگی برای استقلال ملی کشور خود می بینند. از اینرو، کنگره فوق العاده "جبهه آزادی بخش ملی" در قطعنامه های تصمیم گرفته که الجزایر در راه گسترش مسابقات بازگانی خود، بویژه با کشورهای رشد یابنده و سوسیالیستی، کوشا باشد.

سیاست خارجی "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر"، از آغاز پایه گذاری آن، بر پایه تحکیم استقلال ملی این کشور، نقش فعال در پیکار برای صلح و پیشرفت، اجتماعی، علیه استعمار، نواستعمار و امپریالیسم استوار بوده است.

شوروی گفته بود، "من از به تیرگی گذاشتن روابط (ایران و شوروی) چیزی نمی بینم. روابط همان بوده که هست." (مساحبه مطبوعاتی، ۲۰ مرداد ۵۹) یکماه بعد از نوشتن نام "قطب زاده" به مجلس شورای اسلامی، ششم ششم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآمد و ارتش جاپیتکار صدام حسین به خاک ایران تجاوز کرد.

### دنیای جدیدی که لیبرالها مانع کشف آن شده بودند

امام خمینی، در ۳۰ تیرماه ۵۹، در سخنان درد آلودی، گفتند: "وزارتخانه الان هیچکدام یک وزارتخانه صحیح نیست، هر روز نزدیکتر از خارج به ما اطلاع می دهند که سفارتخانه کجا چه جور است، سفارت خانه کجا اموال ایران در سفارتخانه ها دارد از بین می رود... باید یک هیئتی از طرف مجلس تعیین شود، از اشخاص قاطع، راه بیفتد دور مالکی که سفارتخانه داریم، سفارتخانه را اصلاح کنند. این اشخاص سازمان را کنار بگذارند که سفارتخانه یک سفارتخانه انسانی شود. سفارتخانه ها حالا در هر جا که دست روی آن می گذارند، فاسد است، هر جا که دست

### کارنامه...

بقیه از صفحه ۳ در سجد مراسم نیایش بجا آوردند. وی موضوع را به عنوان یک ساله داخلی توصیف کرد و گفت اوضاع در سرکنسولگری ایران آرام است. وی گزارش تهران مبنی بر اجتماع مردم خشکین در خارج کنسولگری و پخش کردن آن را تکذیب کرد... (کشیون آزادگان، ۱۵ تیر ۵۹) توطئه کشتار میلیونها انسان توسط آمریکا و مزدورانش، چند روز بعد هنگام اجرا به شکست انجامید. ولی وزارت امور خارجه قطب زاده در مقابل این توطئه خطرناک نگر سکوت کرد.

### آمریکا توطئه می کند، اما قطب زاده میگوید: «روایت با شوروی محدود نخواهد شد»

پس از شکست توطئه کودتایی، فعالیت های قطب زاده زیر علامت ست سوال قرار گرفت. مجلس شورای اسلامی وی را، برای ادای توضیحات، احضار کرد. نماینده خیال دلخوار در احضاریه خطاب به وی نوشت: "آقای قطب زاده... از شما می خواهم که در مجلس شورای اسلامی حاضر شده و جواب این ملت را در خانه

### ملت بدهید و در غیر این صورت ملت با شما همان رفتار را خواهد کرد که با ضدانقلاب کرد." (اطلاعات، ۴ مرداد ۱۳۵۹)

قطب زاده در مجلس حاضر شد و بجای پاسخ به دشنامگویی و افترا زنی به حزب توده، ایران پرداختن تا به رئیس مجلس، پاسخ های وی را غیر مفتح خواند.

اما مسافانه قطب زاده همچنان در راه وزارت امور خارجه باقی ماند و در نتیجه، در حالی که امپریالیسم آمریکا با تمام قوا تدارک توطئه دیگری را می دید، وزارت امور خارجه قطب زاده به انحراف افکار مردم و تیره ساختن روابط جمهوری اسلامی ایران با دوستان واقفین ادامه داد.

قطب زاده در اوایل مرداد ماه ۵۹ "شکست تضمینی" است. او تشدید کرد که: "این موقعیت مناسب (برای آزاد کردن "گروگانها" و جلوگیری از شکست دولت رجایی) فقط در یکماه آینده وجود دارد!"

قطب زاده در اوایل وزارتت، تمام تلاش و فعالیت خود را جهت افزایش به حزب توده، ایران و اتحاد شوروی متمرکز ساخت. وی در ۲۲ مرداد ۵۹ اعلام کرد که "روزنامه مردم در سفارت شوروی چاپ و منتشر می شود" و کمی بعد، در مصاحبه با مجله "آمریکایی" تأیید، ضمن آنکه آقای

# بیانیه وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان درباره «کنفرانس اسلامی»

وزارت خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، در ارتباط با «کنفرانس اسلامی» در میان ایران و عراق نیز توجه کند. بیانیه پس خاتمه میسازد؛ همانطور که معلوم است، مخالفان تجاری و رژیمهای گروهی از کشورهای اسلامی بار دیگر تلاش دارند باصطلاح مسئله افغانستان را در دستور مذاکرات کنفرانس قرار دهند. کاملاً روشن است که این تلاش هیچ وجه مشترکی با منافع کشورهای اسلامی ندارد و تنها این هدف را تعقیب می کند که اوضاع بیامون افغانستان روایت شود و یک کارزار تبلیغاتی ضدشوروی و ضدافغانی برپا گردد. آنچه در افغانستان می گذرد، کاملاً امر داخلی کشور ماست و بیچون و چوایدی برای صلح منطقه و یا جهان نیست. ستیزی میان افغانستان و پاکستان و افغانستان و ایران وجود ندارد. جمهوری دمکراتیک افغانستان هیچگونه اشکای از سوی کسی نسبت به این کشورها ندارد. در واقع مسائلی که در جریان دیدار بزرگ کارمل از اتحاد شوروی، در آکبر ۱۹۸۰ منتشر شد و در آن تاکید گردید که «مسئله خروج نیروهای نظامی محدود اقتصاد شوروی را میتوان در چهارچوب حل و فصل سیاسی و تقسیمات تپاژ علیه افغانستان و تقسیمات مطمن که اقدامهای خرابکارانه از خارج علیه افغانستان از سر گرفته نخواهد شد، مورد بررسی قرار داده، اشاره شده است. وزارت خارجه افغانستان در بیانیه یادآور شده است که: دوگر گویهای مثبتی که در مرحله جدید انقلاب افغانستان در کشور روی داده است، با تقاضای وسیع و زحمتکش کشور روبرو شده و این واقعت نشان دهنده تحکیم و پایداری قدرت خلق، توسعه

فصل مسائل از طریق صلح آیین، به بیانیه ۱۴ مه ۱۹۸۰ دولت افغانستان استناد شده است. بیانیه آنگاه یادآور شده است: در حالیکه تحولات داخلی افغانستان تبدیدی برای صلح و امنیت در منطقه و یا در جهان نیست، این افغانستان است که مورد آماج اقدامهای تجاوزکارانه از خارج و دیگر اشکال مداخله در امور داخلی خود قرار گرفته است. بدین دلیل است که از نیروهای نظامی محدود اتحاد شوروی نظامی محدود اتحاد شوروی نظامی محدود اتحاد شوروی که برای دفاع از افغانستان و تقسیمات تپاژ علیه افغانستان و تقسیمات مطمن که اقدامهای خرابکارانه از خارج علیه افغانستان از سر گرفته خواهد شد، مورد بررسی قرار داده، اشاره شده است. وزارت خارجه افغانستان در بیانیه یادآور شده است که: دوگر گویهای مثبتی که در مرحله جدید انقلاب افغانستان در کشور روی داده است، با تقاضای وسیع و زحمتکش کشور روبرو شده و این واقعت نشان دهنده تحکیم و پایداری قدرت خلق، توسعه

## در جلسه علنی مجلس گفته شد:

### پاکترین و صادقترین جوانان ما در سپاه پاسداران هستند

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که بریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، دوتی از نمایندگان در مورد مسائل مختلف مملکتی سخن گفتند و سپس برای انتخاب نماینده قوه مقننه در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران رای گیری شد. اولین سخنران پیش از دستور جلسه دیروز، مهتمس صیباغان، نماینده تهران بود، که در ارتباط با مسائل مختلف و از جمله «دگرگونیهای سخنانی گفت. حجت الاسلام لاهوتی، دومین ناطق قبل از دستور، ضمن اشاره به سرگذشت رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و پیروزی مرحله اول انقلاب گفت: «بدلیل پیروزی انقلاب، نبلههای نوری که لازمه از انقلاب است، تکوین یافت. گمیتها برای دفاع از انقلاب پیچیده آمد و سپاه پاسداران تشکیل شد و دادگاههای انقلاب پیچیده آمد». وی در بخش دیگری از سخنان، ضمن تأیید نهادهای انقلابی، درباره سپاه پاسداران گفت: «من شک ندارم که پاکترین و صادقترین جوانان ما در سپاه پاسداران هستند». حجت الاسلام لاهوتی آنگاه خواستار رفع اشکالات و غمناکی نهادهای انقلابی، ویژه نادرگاههای انقلاب شد. پس از شور و بررسی برای انتخاب نماینده قوه مقننه در مدیریت صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران دوبار رای گیری بعمل آمد، که در نتیجه حجت الاسلام روحانی نفر اول و حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری نفر دوم شدند. ولی چون اکثریت مطلق آرا بدست نیامد، رای گیری به امروز موکول شد.

### نخست وزیر اقدام...

پتیه از صفحه ۱  
امت مسلمان ما علیه امپریالیسم و شیطان پرستی و ستمت بیستیدید و با مقاومت سرسختانه خود در برابر میل افراطی و انهماک عوامل داخلی و خارجی شیطان بزرگ، روحیه رزمنده و مقاوم امت سیدبزرگ و انقلابی ایران را با جهانیان عرضه داشتید. ملت مسلمان بیاد و خوشبخت ما انقلاب پررنگی را که به دست شما انجام شده، هیچگاه از یاد نخواهد برد و تاریخ انقلاب اسلامی، ایران را این فرودمانها که «کار شما انقلاب پرورد بزرگتر از انقلاب اول، بیوسته به یاد خواهد داشت.

### بیزاد نبوی...

پتیه از صفحه ۱  
قوانین داخلی آمریکا و قوانین جهانی را زیر پا می گذارد و به طریق نادره ای تأیید می کند. قراردادهای آمریکا بیچون و چوایدی ضمانت ندارد و طرفهای آمریکا در دنیا، نمیتوانند به انجام عهد و قولهای روسای جمهوری آمریکا اطمینان داشته باشند. بیزاد نبوی، همچنین گفت: «اگر اینها (آمریکاییها) مغتری بیزاد نبوی، نگاه کن! به شکنجه گاهایی که خود در اوین، قزل-قلعه، زندان قصر و تمامی زندانهای بزرگ رژیم منحوس و سلف شده پهلوی ساخته اند، می بینید. چگونه انقلابیون این ملت به گروگان گرفته شده و شکنجه می گردانند و آنگاه از وجدان شرمند خود تلافی می کشیدند. وزیر مشاور گفت: «توب بود در لحظه خروج گروگانهای جاسوس از ایران، تنها یک تن از ده هزار تن شکنجه شده رژیم آمریکایی شاه معزول را به خاطر می آوردند که چگونه در حالیکه این شکنجه شده و شاهد زنده فقط ۵ سال دارد، به دستور جاسوسخانه آمریکا در تهران بخاطر فعالیت سیاسی پدرش، دو دستش را قطع کردند». سخنگوی دولت در این مساجحه تاکید کرد: «باید از (فاتی-جوانان مسلمان بیرون خط امام) تشکر کنیم که علیرغم نرفت معنایان از سیاست آمریکا و امتلات آن در ایران، چنین بزرگوارانه با مسیبن بدبختیهای ملتشان، خوشترنای کردند». بیزاد نبوی در این مساجحه، همچنین ضمن اشاره به جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران گفت: «چرا جاسوسان آمریکایی و مقامات واشنگتن، اشرافیت می کنند، چه جنایاتی بدست همین گروگانها و همکاران قبلیشان انجام گرفته و چرا به ملت آمریکا نمی گویند، ایرانیان و دیگر ملت های دریند، آمریکا را مسبب اصلی تمام بدبختیهایشان می دانند». وزیر مشاور و سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران در پایان تاکید کرد که با توجه به پیشبینی توتشدهای آینده آمریکا، با تمام گروگانهای جاسوس مساجحه ای تلویزیونی انجام شده که در صورت تکرار اعتراضات سیاستمداران واشنگتن، این مساجحه را از طریق ماهواره برای تمام مردم دنیا پخش خواهد شد. تا معلوم شود: «چه کسی درونگوست و از بیان واقعت می ترسد، واشنگتن یا تهران»

**کمک مالی به حزب توده ایران**  
حزب توده ایران است!  
م و ف (ف از فلکشان) ۸۰۰ ریال  
هورک ۱۵۰۰ ریال  
هومن ۱۲۰۰ ریال  
علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی ۳۳۳۲ شماره حساب ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهبه دکتر حسین قنطس بیروزانه،

بیرجرو مخالفت نداشتند. آنان تنها با استبداد آریسمی که عرصه فعالیت سیاسی واقصایدی را بر بورژوازی لیبرال تنگ کرده بود، مخالف بودند، و چون «آریسم» گریخت، دلتان می-خواست خود قدر قدرت هذی بساط غارت و وایتگی باشند. گویی همه بهوایا برس آن بود که شاه فرود و لیبرالها بیایند، اما دستگاه افسرد و خالتن و امپریالیسمه طاقت، برسرچی خود قوی بماند و به شیوه گذشته عمل کند. این موضعگیری شده مردمی لیبرالها، همچنان مورد اعتراض مردم بود و بود، تا اعتراضهای انبساطی لیبرالها را از ارتکب قدرت بریز کشید، بانکداران لیبرالها، مسئله پاسکازی دستگاه دولتی، نیروهای مسلح و بخش خصوصی بعنوان مستدای حد در دستور کار قرار گرفت و هیت های پاسکازی دروزارتخانه ها و ایزتی و غیره کار خود را آغاز کردند. متاسفانه در بسیاری موارد نه انتخاب هیت های پاسکازی بر-ضوابط درست استوار بود و نه عمل هیت های پاسکازی، عناصر فسد انقلابی، افرادی که خود باید پاسکازی می شدند و عناصر-صلاحیت و مصالح توانستند خود را در ترکیب هیت های پاسکازی جایزند و مرکب اقداماتی شوند که درواقع انحراف یا پاسکازی از مسیر صحیح انقلابی بود. رخنه این افراد در هیت های پاسکازی موجب شد که در بسیاری از موارد، همچنان و خالیان برس مشامل خود باقی بمانند و گاه

### لایحه جدید...

پتیه از صفحه ۱  
دولتمردان لیبرال، که در آن روزها قدرت حکومتی را در دست داشتند، به مقابله با این خوست انقلابی برخاستند و باسفسطه و مفسطه مانع از اجرای این امر مهم شدند، که با سرکوشتم انقلاب بیخود داشت، این سخنان روز از جناب رئیس دولت وقت، پگوش مردم خوانده میشد: که عیبا، نمیتوانیم تمام کارمندان دولت را به خیابانها بریزیم، نمی-توانیم ایزتی را منحل کنیم، نمی-توانیم بخش صنایع و کسب و کاری و خدمات را از وجود مدیران متخصص محروم سازیم، درحالیکه این سه-گانه و مفسطه ای پیش بود. مردم نه با پاسکازی دستگاه اداری و ایزتی و نه با انقلاب کلیه مدیران متخصص را میخواستند. مردم خواهان آن بودند که اسواکیا و خاتان و مسدان از این دستگاهها پاسکازی شوند و کارمندان و ارتکیان و مدیرانی که در گذشته همکاری نزدیک با رژیم ضد خلقی نداشتند، اندو اکون نیز مومن به انقلاب و زحمتد و انقلابند، برسر کارهای خود باقی بمانند. مسطه و مفسطه لیبرالها از آنجبت بود که بتوانند امیر-انقلابی ها، مفسطه امیرانها، علیها، مهدی پورها، محقق های خلیفانها و حیدر جرایمیدها را بر راس مقامات حساس دولت ارض بکارند. آنان اسولوایا دستگاه مانده از طاقت، بسا طرز تفکر طاقتی، به غربیانیستکی و غربی بزدگی و ارتباط با غرب،



### امپریالیسم فرانسه، تحریکات خود را در آفریقا افزایش میدهد

روزنامه «هروزم» چاپ کوتون، پایتخت بین‌حزبانه تحریکات امپریالیسم فرانسه در آفریقا از جمله می‌نویسد: «فرانسه قصد دارد شمار نیروهای خود را در جمهوری آفریقای مرکزی به ۸ هزار تن افزایش دهد. بنوشته این روزنامه «فرانسه به بیانه‌های پوچ و راهی نیروهای تقویتی به دیگر کشورهای آفریقائی کسبلی میدارد. این روزنامه می‌افزاید: «اتحاد عمومی آفریقا با تکراری جدی این تحریکات را دنبال می‌کنند.»

### برگزاری جشن‌های میلاد پیامبر اسلام توسط مسلمانان اتحاد شوروی

مسلمانان اتحاد شوروی در جمهوری‌های مختلف این کشور، جشن‌های سالروز تولد پیامبر اکرم را باشکوه فراوان برگزار کردند. بمناسبت میلاد پیامبر اسلام، جشن‌ها و مراسم ویژه در ساجده و دیگر مکان مذهبی برگزار شد. همچنین مناسبت منقش شیخ‌ضیاعالدین خان ابن ایمنان پایتخت روسیه شوروی مسلمانان آسیای میانه، در تاشکند سخنرانی کرد و از حوزه علمیه اسلامی «میر عرب» در شهر بخارا، دیدن کرد. مسلمانان شهر تریپاک در ازبکستان، جشن‌ها را در مسجد تازه شهر برگزار کردند. شیخ عبدالغنی عبدالله، معاون شورای مسلمانان در سخنانی تأکید کرد: «پیامبر اکرم از آفریقای والای صلح و دوستی و همکاری میان ملت‌ها حمایت کرده است.»

### روزنامه «دنیس» چاپ کابل:

### جنگ اعلان نشده علیه انقلاب افغانستان را

روزنامه «دنیس» چاپ کابل، درباره نقشی امپریالیسم آمریکا در

### آمریکا رهبری می‌کند

منتیج نگاهداشتن منطقه نوشت: «از سخنان مقام‌های آمریکایی چنین بر می‌آید که این کشور خواهان حل‌وفصل سیاسی‌اوضاع منطقه و اوضاعی که پیرامون افغانستان ایجاد شده، لیست.» «دنیس» خاطر نشان کرده است: «جنگ اعلان نشده علیه انقلاب افغانستان را آمریکا رهبری میکند.» این روزنامه اضافه کرده: «افغانستان بارها آماده‌گی خود را برای حل‌وفصل سیاسی اوضاع منطقه بر اساس حسن‌هیواری، برابری کامل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر اعلام کرده است.»

### نخست وزیر ژاپن اوضاع کامبوچیا را وارونه جلوه می‌دهد

سفارت جمهوری سوسیالیستی ویتنام در بانکوک اعلام کرد: «سوزوکی نخست‌وزیر ژاپن علیه ویتنام دست به افترا زده و حقایق اوضاع کامبوچیا را وارونه جلوه داده است.» سفارت جمهوری سوسیالیستی ویتنام تأکید کرد: «هدف از این تلاش توجیه جنایات پادشاه خون‌آشام پوئل‌پوست، رنگ ساری است و سوزوکی ابتدا به تحریکات و مداخلات پکن و دیگر نیروهای ارتجاعی در امور داخلی کامبوچیا اشاره نکرده است.» سوزوکی در جریان دیدار اخیر خود از تایلند، از چین و اربابان آمریکائی و متحدان چینی‌ژاپنی را در باره باستلاسیسته کامبوچیا موهومو تکرار کرد.

### شوخی نیست...!

### به مناسبت رفتن کارتر و آمدن ریگان

### سخن گفتن ریگان با کارتر و پاسخ شنیدن

ریاستی سالی که نکوست از پاره‌ش پیداست، پانگی که بد است، از تیراش پیداست ریگان که بود عاجز و کساری نکند، این‌ها سه از داد و هوارش پیداست.

گارتز گفت: «جان برادر، رنج پیونده روا مدار و تغم نامسکن مکدر، پشت بر سندان نستیزد و عاقل آبروی خود نریزد، این ملت که من دیدم، پیدی بیند که از این پادها پلرزند، و از این لاف و کراف‌ها پرتسند چندان برایت شیشکی بندند و چنان به ریشت خندند که رسوای خاص و عام شوی، و همچون من و صدام، نامراد و ناکام گردی، پرچمت بسوزند و بر سبیلت...»

ریاستی گفت: «بهر گز این امریکه گویند و طریق‌نابودات جویند، و اما سادات و حسین که توانند تیان خود را نکه دارند، چگونه توانند به ایران هجوم آورند؟ و ضیاع و قاپوسی، که از بیم دل‌هشان دو نیم، و خود روز و شب، در رنج و تعب، چگونه توانند به یاری صدام شتابند؟»

تصیبت من به گوش جان پشتو که صحنه دنیا را با پرده سینما پس تفاوت است. سیاست‌مداری را با بازیگری چه مناسبت و دنیا را با سینما چه مشابهت. آنجا آنگی پانگ «هل‌من میازن سر کنی، و گلوله‌های دروغین در کنی، حریفه خود را بر زمین افکند و به مردن زند، اینجا بیایند مردافکن و شیرانند دشمن، شکن، که از زب و موشک نبرسند و از تان هواپیما خود را نیازند، تانک و توپ را به چیزی، و مرگ را به پیشزی نگیرند، و شهادت را به جان‌پذیری، اما نیرتد مگر آن که دنیا از لوث وجود دشمن پاک سازند و سترگ‌های توتی او خاک سازند، ناکان خشم به قهر دنیا سپارند و از «آواکس» ختم بر ابرو نیازند، خردسال‌شان خندان به استقبال تانک دشمن رود و سالخورده‌شان چابک به میدان نبرد رود. تشنیدهای که امام‌شان فرمود: «پنگه دنیا غلطی تیراند کند، گرچه آسمان بر زمین زنده، مسگر ویتنام فراموش کردی و فتنه صدام از یاد بردی که پاد دیگر خواهی آزموده آزمایر و انگشت حسرت بر دندان خایر؟»

جان برادر، چهار سال ریاست به دروس سیاست نریزد، بهتر آن که تو نیز دم در کنی و سر تسلیم فرود آری و تخم پشیمانی و حسرت نکاری، که گفته‌اند: پشیمانی را سود نیست و این کارها دگرده نیست:

حکایت:

دشمنی یسار دارم که چشم نغفت؛ شنیدم که کارتر به ریگان پگفت؛ که من مردم و گز بسوزم رواست، تو را گریه و سوز باری چراست؟ ای برادر، تو چون می‌روی، از این زجر و آندوه، خوش می‌دهی، منم چهار ماسی اسیر قفس، ز ایران هزاران بولا می‌کنم، تو خود خوب دانی چه می‌کنم پگفتم چو: زحش، چوپایم بدهاده پگفت: «توبه، یانکی به نهدان، ز دست چکد خون خلق جهان ز مرد وزن و خرد و پیر و کلان ز خاکش ویتنام کردت برون، به خون می‌کشی خلق ما را کتون؟ فلسطین و لبنان و هند و کسره، دل جسله از گساره‌ایت پرسه.»

دندان چه خاکری به سر من کنم، مگر چسایه مرگ بر تن کنم، دو صد تاو دارم، هزاران سیاه، س کار من زار و پختم تپس، تو کارت‌دم استو جانت خلاص، مرا اول کار هو، و هراس، اگر چند «کاپوی» هستم همی، چو ششول دارم، تسدادم غمی، ولی گاو من سخت زانید و من، در افتاده‌ام در عذاب و محن، دو را آتش خشم گر بر سوخته، مرا بین که از پای تا سر سوخته.

چپانا، تو ریگان به آتش بسوز، چو کارتر که گردید بدحال و روز، ز مستکبرانم رهسالی بده، به مستضعفان مه‌سوانی بده، پراکندگی را ز مسا دور کن، په‌رحمت، صف خلق بر زور کن

مغضوب و بازیگری به جای او منصوب شده هفت‌تیر بند و گاوچران موسوم به ریگان، که سر بر آستان شیطان سوری، و ذر کله‌اش مغزی نبودی، پنداشت که سیاست و سروری، بازی و بازیگری است، دنیا صحنه سینما، نه هر که دم ز حقوق بشر زنده، بشر است، غلام ثروت و جوی و مرید زور و وز است، نه هر که بست دو ششول، و روی اسپ نشست، رئیس گشت و دلس خوش که همچو شیر ل است، ز ما به حضرت ریگان یگو: غلافش کن! تنگ تنگی من ز موشک تو سر است، هر آن که گفتم به من زحش بیایان خود اوست زحش و خونخواز و پست و بد گس است، به هر کجای جهسان می‌روی از ایمن زحش خرابی است و ز کتار و غارتش اثر است، زمن به ملت ایران بگو: هزار آجست! ز انقلاب تو او خوار و زار و در به در است، چه خوب پوزو او را به خاک مالیده، ز ضربت دست تو گسردید زحش و پکر است، اگرچه گسار چران باشد و کند اسداز، هوای مید تو دارد، نگاه کن چه خر است! یسه روی صحنه دنیا زبسون و خیط شود، دون «استودیو» ماهر و زرنگ اگر است، شبر در خلوت کاخ سفید آن بازیگر پلیده، گارتز را گفت: «گوشمال ایرانیان را زود نچینیدی و دیدی آنچه دیدی، ایرانی را چه رسد که به جاسوسخانه رود و مزاحم جاسوسان ما شود، آنان را به بند کشد، و عرض و آبروی ما ببرد، آنگاه که زمام کار به دست من افتد، آنان را لرزه بر جان‌تواند، فرماندهان را گریه سکریان ویژه ریسه کند تا ایرانیان ماست‌ها کیسه کنند، جاسوسان را بیانه کنم و ناو نیروی به ساحل‌شان روانه کنم، قرار و مدار با چین گذارم و بنادر ایران مین گذارم، فرمان دم به سادات و پگین، تا از هوا و زمین، به ایران لشکر کشند و ایرانیان را به خاک و خون درکشند، همسستی با قاپوس کنم و رویاهاشان کاپوس کنم، ضیاع‌اللق از شرق بیج کنم و نارگان از غرب روانه خلیج کنم، ملک‌سعود را گریه آواکس در اختیار صدام بند و ملک‌حسین را فرایم تا سیاه به آن ناکام دهد، در ایران نیز گاه توطئه و کودتا کنم و گام‌شوروش و بلوا کنم، گاه لیران را بشیر کنم و گاه سندانقلاب را تیر کنم، القرضی چنان کنم که ایرانیان را از کرده خود پشیمان کنم، و آب رفته به‌جوی بازآرم و تخم استعمار، دیگر بار، در ایران کارم، با نفت خود به‌ما دهند و بندگی‌ما را گردن‌نهند.»